

یادداشت‌های جدید

ایران

طبق برنامه سال ششم ادبی

تالیف

عباس پرویز

چاپ اول

حق چاپ محفوظ و معصوم است به :

کتابفروشی و چاپخانه دانش

۱۳۲۸

بعضی از آثار دیگر مؤلف

- | | |
|-------|---|
| جلد ۱ | تاریخ از طاهریان تا مغول |
| جلد ۳ | تاریخ عمومی |
| جلد ۱ | تاریخ قرون وسطی |
| جلد ۱ | تاریخ اروپا در قرون ۱۹ و ۲۰ |
| جلد ۱ | تاریخ اروپا در قرون ۱۷ و ۱۸ |
| جلد ۱ | روابط ایران با اروپا در عهد صفویه (ترجمه) |
| جلد ۱ | تاریخ ایران و عمومی مخصوص کلاس چهارم متوسطه |
| جلد ۱ | تاریخ ایران مخصوص کلاس پنجم متوسطه |
| جلد ۲ | جغرافیای اقتصادی کلاسهای چهارم و پنجم |
| جلد ۱ | فهرست تاریخ کامل ایران |
| جلد ۱ | جغرافیای اقتصادی عمومی و ایران |

کتابخانه عمومی امام رضا (ع)
تلفن: ۲۱۷۴۱۷
۳۵

یادداشتان جدید ایران

طبق برنامه ششم ادبی

تألیف

عباس پرویز

چاپ اول

حق چاپ محفوظ و مخصوص است به :

کتابفروشی و چاپخانه دانش

۱۳۲۸

فهرست مندرجات

| صفحه | صفحه | عنوان |
|------|------|---|
| ۲ | ۱ | فصل اول - روابط صیغویه با ممالک اروپا - نظراجمالی |
| ۴ | ۲ | روابط ایران با اسپانیا و پرتغال |
| ۵ | ۴ | روابط ایران با انگلیس - روابط ایران با هلند |
| ۶ | ۵ | روابط ایران با فرانسه |
| ۷ | ۶ | روابط ایران با آلمان |
| ۸ | ۷ | روابط ایران با روسیه |
| ۹ | ۸ | فصل دوم - روابط ایران با اروپا بعد از صغویه |
| ۱۲ | ۹ | روابط ایران با فرانسه |
| ۱۴ | ۱۲ | روابط ایران با انگلیس |
| ۱۵ | ۱۴ | روابط ایران با روسیه |
| ۱۷ | ۱۵ | فصل سوم - آشنا شدن ایران با تمدن اروپائی - نظراجمالی |
| ۱۹ | ۱۷ | امیرکبیر |
| ۲۰ | ۱۹ | حذف القاب - برای انداختن رشوه خواری - اصلاح امور مالی |
| ۲۱ | ۲۰ | اصلاح نظام |
| ۲۲ | ۲۱ | تاسیس مدرسه دارالفنون |
| ۲۳ | ۲۲ | اعزام صنعتگر بارو با |
| ۲۴ | ۲۳ | تاسیس روزنامه - ترجمه و انتشار کتب |
| ۲۵ | ۲۴ | توسعه امور صحتی |
| ۲۹ | ۲۵ | احیاء و ایجاد ابنیه - توسعه صنایع و ایجاد کارخانه ها |
| ۳۱ | ۲۹ | پستخانه |
| ۳۲ | ۳۱ | تلگرافخانه |
| ۳۴ | ۳۲ | راه آهن |
| ۳۵ | ۳۴ | ضرابخانه |
| ۴۲ | ۳۵ | چاپخانه |
| ۴۸ | ۴۲ | روزنامه |
| ۴۹ | ۴۸ | ترجمه و تالیف کتب - ایجاد کارخانه ها |
| ۵۰ | ۴۹ | تقلید آداب و مراسم اروپائی |

| | | |
|----|----|---|
| ۵۱ | ۵۰ | فصل چهارم - تاریخچه مشروطیت و انقراض قاجاریه - مقدمه |
| ۵۴ | ۵۱ | مظفرالدینشاه و مشروطیت ایران |
| ۵۷ | ۵۴ | جانشینان مظفرالدینشاه و انقراض قاجاریه |
| ۵۸ | ۵۷ | فصل پنجم - تاریخچه نهضت اخیر و ترفیحات کنونی - نظراجمالی |
| ۶۰ | ۵۸ | روی کار آمدن رضا شاه پهلوی |
| ۶۳ | ۶۰ | اصلاحات عصر حاضر |
| ۶۷ | ۶۳ | فصل ششم - روابط ایران با ممالک دیگر از اوائل مشروطیت بپس |
| ۶۸ | ۶۷ | فصل هفتم - تحول و انقلاب ادبی ایران از حدود مشروطیت باینطرف - مقدمه |
| ۷۱ | ۶۸ | نمایش |
| ۷۲ | ۷۱ | رمان |
| ۷۳ | ۷۲ | مطبوعات - روزنامه |
| ۷۵ | ۷۳ | سالنامه - مجلات |
| | ۷۵ | منابع کتاب |

فصل اول

روابط صفویه با ممالک اروپا

نظراجمالی مملکت ایران با موقع جغرافیائی خود که بر سر راه هندوستان و چین واقع است از قدیم الایام در تجارت و داد و ستد اروپائیان با مشرق زمین اهمیت خاصی داشته و در واقع تنها راه ارتباط ممالک اروپا با نواحی مرکزی و شرقی قطعه آسیا بوده است و سیاحان و تجار خارجی ناگزیر این طریق را در پیش می گرفتند چنانکه مارکوپولو (۱) تاجر معروف و نیز در قرن هفتم هجری برای اطلاع بر اوضاع مملکت چین از راه ایران خود را بدر بار خاقان رساند . مسافرت تاجر مزبور به مشرق زمین بتدریج پای اروپائیان دیگر را با آسیا بخصوص بایران باز کرد و از زمان مغول بیعد جمعی از مسافرین و نمایندگان سیاسی بنای رفت و آمد باین سرزمین را گذاشتند و در ایجاد روابط سیاسی و اقتصادی بین دولت ایران و دول متبوعه خود کوشیدند دولت ایران نیز هر وقت حکومتی مرکزی و پادشاهی با اقتدار داشت از فرستادن سفرا و نمایندگان بدر بار سلاطین ممالک اروپا کوتاهی نمی کرد . مبادله سفرا بین ایران و ممالک اروپایی از طرفی مقدمات ایجاد روابط اقتصادی و تجارتی این مملکت را با آن کشورها فراهم ساخت و از طرف دیگر متدرجا باعث آشنا شدن این سرزمین با اروپائیان و تمدن جدید آنها شد .

فتح اسپانیا بتوسط مسلمین در قرون وسطی بعضی از عادات و آداب مردم مشرق زمین خاصه رسوم ایرانیان را در آن مملکت انتشار داد . ابتدا مسلمین مقیم آن کشور و بعدها خود اسپانیولیا در صد آمدن بایران بر آمدند . اروپائیا احتیاج فراوانی بامتنه قیمتی و محصولات کمیاب هندوستان مانند ادویه . عاج . سنگهای قیمتی و پارچه های ابریشمی و زربفت هندوستان و چین داشتند و چون ایران انبار و مخزن اینگونه امتعه بود خواه ناخواه آنها را بجانب این سرزمین میکشاند که از تجار

ایرانی اتباع کنند و یا مستقیماً برای خرید مال التجارهٔ مزبور به هندوستان و چین بروند نخستین سیاح اسپانیولی که بایران آمد یکی از یهودیان آن سرزمین موسوم به بنزامن دوتودل (۱) بود که پس از مراجعت بوطن خویش تجار اسپانیا را به مسافرت باین مملکت تشویق کرد.

در اوائل قرن نهم هجری یکنفر سفیر بنام کلاویژو (۲) از طرف پادشاه و مملکت کاستیل و آراگن (۳) (از ایالات اسپانیا) بایران آمد و در تجدید روابط با دزبار صفویه سعی کرد. علت این امر تسلط پرتغالیهای اتباع اسپانیا بر جزیرهٔ هرمز بود و دولت اسپانیا برای حفظ این جزیره دوستی ایران را لازم می‌شمرد.

بعد از کشف دماغهٔ امیدنیک پرتغالیها و اسپانیولها بر سواحل افریقا و اقیانوس هند دست یافتند و برای ادارهٔ متصرفات مزبور کسانیرا با عنوان امیر البحری بشهر گوئا (۴) پایتخت مستعمراتی خود در هندوستان می‌فرستادند. در قرن نهم هجری امیر البحر پرتغالی الفنس دالبو کرک (۵) بندر گمبرون (بندر عباس حالیه) و جزیرهٔ هرمز را تصرف کرد (۹۲۳ هجری) و چنانکه ذکر شد دولت اسپانیا با این فتح بیش از پیش طالب دوستی با ایران گردید.

پادشاهان صفویه نیز برای توسعهٔ تجارت و اقتصادیات مملکت و ایجاد روابط سیاسی با دول اروپائی علاوه بر آنکه سفرائی از ممالک اسپانیا و پرتغال انگلیس آلمان فرانسه هلند و روسیه پذیرفته‌اند نمایندگانی چند از جانب خود بدربار سلاطین کشورهای مزبور گسیل داشته‌اند که اینک بنحو اختصار بشرح آن می‌پردازیم در اوایل سلطنت شاه عباس کبیر یکنفر انگلیسی بنام سر

روابط ایران با اسپانیا و پرتغال
آنتونی (۶) شرلی با اتفاق برادرش رابرت شرلی (۷) بیست و

چهار نفر دیگر جهت عقد قرارداد تجارتنی و اتحاد با ایران برضد دولت عثمانی بقرزین آمد. بین همراهان آنتونی شرلی جمعی افسر از آنجمله پاول (۸) و هوارد (۹) نیز بودند که با شناسائی بفرقون مختلف نظام و حتی طریقهٔ ساختن

1 - Benjamin de Tudèle 2 - Clavijo 3 - Aragon 4 - goa 5 - Alphonse d'Albuquerque 6 - Anthony 7 - Robert 8 - Powel 9 - Howard

توپ ایران را تا اندازه‌ای با تمدن اروپائی و نظام جدید آشنا کردند این جمع در سال ۱۰۰۷ هجری در پایتخت بخدمت شاه عباس رسیدند و شاه عباس انتونی شرلی را با اتفاق حسین علی بیگ وعده ای دیگر از رجال ایرانی مأمور مسافرت با اسپانیا و عقد قرارداد سیاسی با آن دولت کرد. آنتونی شرلی از سفر اروپا دیگر بایران مراجعت نکرد و حسین علی بیگ که از ملاقات با فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا نتیجه‌ای نبرده بود مستقیماً بایران برگشت.

فیلیپ سوم که بر اثر فتوحات شاه عباس در خلیج فارس و تصرف قشم و بحرین و بندر گمبرون در وحشت افتاده بود یکی از رجال معتبر دربار خود را معروف به دونگراسیا (۱) بایران فرستاد تا تعهد در فرستادن قوای بحری برای مساعدت بایران بر ضد عثمانی بنماید و شاه عباس در عوض نقطیرا که در خلیج فارس متصرف شده بود با اسپانیا مسترد دارد. اما سفیر زبور از ملاقات با پادشاه ایران نتیجه‌ای نبرد (۱۰۲۷ هجری)

فیلیپ سوم که از گفتگوی بادولت ایران ب نتیجه‌ای نرسید امیر البحر خود را در هندوستان دستور داد که ببندر گمبرون حمله کند. اسپانیولیا در بندر مزبور جمعی از تجاران انگلیسی را کشتند و بسواحل خلیج فارس دست اندازی نمودند و اشتها دادند که شاه عباس از قدرت و عظمت اسپانیا هیترسد. شاه عباس چون بر این قضایا اطلاع یافت در صد کوتاه کردن دست اسپانیولیا از خلیج فارس بر آمد و در سال ۱۰۲۸ هجری با کمپانی هند انگلیس معاهده ای برقرار کرد که بموجب آن انگلیسها از راه دریا به ایرانیاں در موقع هجوم بجزیره هرمز مساعدت نمایند و در عوض امتیازاتی بدست آوردند در سال ۱۰۳۰ هجری شیلینگ (۲) امیر البحر انگلیس بموجب معاهده مزبور بجزیره هرمز حمله برد و آن جزیره را گرفت اما شاه عباس مطابق قرارداد منعقدہ رفتار نکرد پس از فتح هرمز قدرت اسپانیولیا در خلیج فارس از بین رفت و بتدریج انگلیسها و هلندیها جانشین آنها شدند.

انگلیسها در قرن دهم هجری تجارخانه‌ای در مسکو تاسیس کرده بودند. ریاست این تجارخانه در سال ۹۶۵ هجری از طرف ملکه الیزابت به آنتونی جن کین سن^(۱) واگذار شد

و ملکه انگلیس در همان سال وی را مأمور رفتن بایران و تحقیقات در خصوص وضع جغرافیائی این مملکت کرد. سفیر مزبور در ترکستان دچار فتنه اوزبکان شد و ناچار مراجعت نمود و در سال ۹۶۹ هجری دوباره عازم ایران گردید اما شاه طهماسب که بسیار متعصب بود بسفیر مزبور اعتنائی نکرد و این سفیر ناامید مراجعت نمود.

بعد از آنتونی جن کین سن سفرای دیگری از قبیل آرتور ادوارد^(۲) و استیل^(۳) و کنک^(۴) و بارکر^(۵) و چنانکه متذکر شدیم برادران شرلی و دورمر کوتون^(۶) بایران آمده اند و شاه عباس کبیر باقتضای سیاست خود گاهی امتیازاتی مانند خریدن بریشم و فروش ماهوت و ایجاد دارالتجاره در شهرهای معتبر ایران به آنها داده است و زمانی بایشان به بی اعتنائی رفتار کرده.

بعد از فوت شاه عباس کبیر سفیری بنام ابرت استودارت^(۷) بایران آمد که چندان

اعتنائی از طرف دربار ایران بوی نشد.

در اواخر قرن یازدهم هجری هلندیها بر اثر توسعه تجارت خود و شکست دادن قوای بحری انگلیس در حوالی جاسک تاچندی جانشین انگلیسها در خلیج فارس شدند و در اواخر سلطنت صفویه فرانسویها بنوبه خود با هلندیها بنای رقابت را گذاشتند و بالاخره در زمان شاه سلیمان حسین اغتشاشات داخلی ایران لطمه بزرگی به تجارت و نفوذ انگلیسها وارد آورد.

هلندیها پس از استقرار در هندوستان و بیرون کردن پرتغالیها روابط ایران با هلند بخیمال افتادند و در خلیج فارس نقاطی را جهت افتتاح باب تجارت بایران در تحت تصرف خود درآوردند. بهمین مناسبت از اوایل

1 - Anthony jen Kinson 2 - Arthur Edward 3 - Steel

4 - Connock 5 - Barker 6 - Darmer Cotton 7 - Stodart

قرن یازدهم هجری عده‌ای از سفرای هلندی از آنجمله هاسلت^(۱) و ویسنیش^(۲) به ایران آمدند.

شاه عباس سفیر اخیر الذکر را به همراهی موسی بیک در سال ۱۰۳۴ هجری بلاهه فرستاد تا در خصوص بیرون کردن برتقالیها از خلیج فارس با هلندیها وارد مذاکره شود ولی دولت هلند جواب قطعی باین مسئله نداد و موسی بیک بدون نتیجه بایران مراجعت کرد. بعد از سفیر مذکور سفرای دیگری از جمله اشمیت^(۳) و دلکورت^(۴) از طرف دولت هلند بدر بار ایران آمدند. سفرای مزبور با اخذ امتیازاتی در تجارت با این کشور ناآل شدند. جز این عده عده‌ای دیگر نیز منجمله کنستان^(۵) (۱۰۵۲ هجری زمان شاه عباس دوم) و فن لینن^(۶) در زمان شاه سلیمان و هوگ کامر^(۷) (۱۱۲۹ هجری زمان شاه سلطان حسین) بایران آمدند. شاه سلطان حسین حاضر شد سالی ۳۰۰ بار ابریشم به هلندیها بفروشد اما از این مقدار بتدریج کاسته شد تا آنکه تسلط افغانه و عدم توجه خود هلندیها بتجارت ابریشم ایران باعث گردید ایشان جای خود را با انگلیسها و فرانسویها بدهند.

روابط بین دولتین ایران و فرانسه که از قرن یازدهم هجری روابط ایران با فرانسه شروع میشود بیشتر جنبه مذهبی داشته و فرانسویان برای ترویج آئین مسیح و آزادی تبلیغات در شهرهای معتبر ایران هیئت‌ها و نمایندگانی باینجا فرستاده‌اند. اولین کسیکه برای این مقصود بایران آمد پاسیفیک در پرونس^(۸) بود. شاه عباس بفرستاده مزبور اجازه تشکیل مجامع مذهبی را در بغداد و اصفهان داد و برای تشیید میانی دوستی بین ایران و فرانسه سفیر سابق الذکر را بخدمت لومی سیزدهم فرستاد.

بعد از پاسیفیک دو پرونس سفراء دیگری منجمله لالان^(۹) لا بولی^(۱۰) فابر^(۱۱) ماری پتی^(۱۲) و سیور میشل^(۱۳) نیز بایران آمده‌اند. شاه سلطان حسین بعد از آمدن سفیر اخیر محمدرضایک را بعنوان سفارت بفرانسه فرستاد و وی بخدمت لومی ۴ رسید و

1 - Hasselt 2 - Visnich 3 - Smidt 4 - Del Court 5 - Constant
6 - Von Leenen 7 - Hoog Kamer 8 - Pacifique de Provins
9 - Lalain 10 - La Boullaye 11 - Fabre 12 - Marie Petit
13 - Sieur Michcl

عهدنامه‌ای دریا زده ماده باسم عهدنامه ورسای با پادشاه فرانسه منعقد ساخت و چون در این عهدنامه اقتصادی و سیاسی محمد رضایک بدون اجازه پادشاه ایران موادی چند اضافه کرده بود از ترس تعقیب وی در موقع مراجعت خود را در ایران گشت و دولت فرانسه گاردان (۱) و پادری (۲) را برای امضای قرارداد مزبور بایران فرستاد. پادری در سال ۱۱۳۴ هجری از طرف فیلیپ دوک دورائمان (۳) نایب السلطنه فرانسه تغییراتی در عهدنامه ورسای داد و آنرا با امضاء رساند و چون فتنه افغانه بروز کرد فرانسویها در تجارت با ایران استفاده‌ای نبردند و موقتاً بین دو دولت رابطه اقتصادی قطع شد.

پس از شکست ایران از عثمانی در جنگ چالدران (۹۲۰ هجری)

روابط ایران با آلمان شاه اسمعیل صفوی در صدد اتحاد با دول اروپایی بخصوص

آلمان بر ضد عثمانی برآمد. دولت آلمان هم حاضر بقبول

این دوستی و اتحاد بود چه همواره خود را بر اثر حملات عثمانیها بنقاط مرکزی اروپا

و متصرفات خود در زحمت میدید. شاه اسمعیل برای استفاده از این فرصت در سال ۹۲۹

هجری فراتر بتروس (۴) یکی از کشیشان مجازستانی را که در دربار صفویه میزیست

بخدمت شارلکن امپراطور آلمان فرستاد و شارلکن سفیر مزبور را بانامه‌ای بدربار صفویه

گسیل داشت اما در آن موقع شاه اسمعیل مرده و شاه طهماسب سلطنت رسیده بود.

از این سفارت اطلاع صحیحی در دست نیست. چنانکه در مبحث مخصوص بروابط ایران

و اسپانیا اشاره شد شاه عباس کبیر انتونی شرلی را باروفا فرستاد تا بخدمت سلاطین

ممالک آن قطعه برسد و در خصوص اتحاد بر ضد دولت عثمانی مذاکراتی بنماید. آنتونی

در ضمن مسافرت بخدمت رودلف دوم (۵) امپراطور آلمان پذیرفته شد و امپراطور

برای اطلاع بصحت و سقم سفارت وی نماینده ابراهیم از طرف خود موسوم به کاکاشرفن

تسالون کمنی (۶) بجانب ایران فرستاد. اما این سفیر در ایران فوت شد و یکی از همراهان

او فن در یابل (۷) مکتوب رودلف دوم را بشاه عباس کبیر داد و پس از چندی پادشاه ویرا

باتفاق مهدیقلمی بیک مامور آلمان کرد. از جزئیات سفارت مهدیقلمی بیک اطلاع درستی

1 - gardann 2 - Padéry 3 - D'orleans 4 - Frater Petrus

5-Rudolf 6- Kakasch Von Zalonkemeny 7- Von der Yabel

نداریم . شاه عباس در همان اوان را برت برادر آنتی شرلی را نیز بعنوان سفارت بخدمت رودلف دوم فرستاده است و راجع بانحاد آلمان با ایران در مقابل دولت عثمانی اقداماتی کرده .

در زمان شاه سلیمان یکی از روحانیون آلمانی که آبارنل (۱) نامداشت در خصوص اتحاد برضد عثمانی نامه‌ای بایران آورد . اما اعتمادالدوله وزیر اعتنائی بوی نکرد . روابط ایران و روسیه از زمان الکسی شروع میشود . در روابط ایران با روسیه دوران سلطنت این تسار هشتصد نفر از تجار ارمنی و روسی از طریق قفقاز بایران آمدند و خود را نماینده سیاسی قلمداد نمودند و شاه عباس دوم امتیازاتی راجع بتجارت با ایران به آنها داد و چون پس از چندی متوجه شد که عمداً خود را نماینده سیاسی معرفی کرده‌اند ایشان را از ایران راند و الکسی ساحل بحر خزر را مورد حمله قرار داد و شاه عباس دوم روسها را بسختی شکست داد .

بطر کبیر یکی از ارامنه مقیم روسیه را بنام اوری نئی (۲) بایران فرستاد و پس از وی سفیر دیگری را که ولینسکی (۳) نامداشت باین ممالکت روانه کرد اما شاه سلطان حسین با سفیر اخیر الذکر به بی اعتنائی رفتار نمود و وی بعد از مراجعت بروسیه بطر را از اوضاع خراب ایران آگاه ساخت ، تزار روسیه هم از موقع استفاده کرد و در بند قفقاز را گرفت و ایالات ساحلی بحر خزر را اشغال نمود . اما نادر قلی افشار روسها را وادار بتخلیه آن نقاط کرد و از آن تاریخ بعد تا زمان فتحعلی شاه قاجار دیگر روابط کلی بین ایران و روسیه وجود نداشت .

فصل دوم

روابط ایران با اروپا بعد از صفویه

چنانکه گفته شد دولت ایران از زمان صفویه شروع بایجاد روابط سیاسی و تجاری با بعضی از دول اروپائی کرد که بمللی از آنجمله رقابت خود دول اروپائی بر سر بدست آوردن امتیازات بیشتری راجع بمنافع و تجارت باین سرزمین عدم احتیاج پادشاهان صفوی در خصوص اتحاد با دولت‌های مزبور برضد عثمانی یا بروز فتنه افغانه و ضعف حکومت مرکزی در ایران این روابط تا مدتی در حال وقفه ماند اما باز يك سلسله مسائل سیاسی بعد از انقراض صفویه ایران را وادار به تجدید روابط سیاسی و حتی جاب دوستی دولتهائی چند از اروپا نمود. تاریخ روابط ایران با اروپائیان که در واقع مقدمه آشنائی این سرزمین با تمدن غربی است از دوران سلطنت فتحعلیشاه قاجار آغاز میگردد که ما در جای خود بذکر آن خواهیم پرداخت :

در فاصله بین انقراض دولت صفویه و روی کار آمدن خاندان قاجار دولت ایران جسته جسته روابط مختصر سیاسی با ممالک اروپائی از آنجمله روسیه داشته است چنانکه در زمان نادرقلی افشار جهت حل اختلافات بین دولتین ایران و روسیه پرنس کولیتسین (۱) از طرف تزار روسیه باین سرزمین آمد و نادر بعد از مذاکرات زیاد دولت روسیه را وادار به تخلیه ایالات جنوبی بحر خزر کرد این امر در سال ۱۱۴۶ هجری انجام گرفت .

در عهد آقامحمدخان قاجار نیز بین دولتین ایران و روسیه روابط سیاسی برقرار بوده و ژنرال زوبوف (۲) روسی با قواء خود قسمتی از خاک قفقازیه را در نور دیده است . اینک شرح روابط سیاسی ایران با فرانسه وانگلیس و روسیه در زمان فتحعلیشاه قاجار .

ناپلئون کبیر امپراطور فرانسه بر اثر ضعف قواء بحری خود روابط ایران با فرانسه در اروپا حریف انگلیس نبود و چون میخواست آندولت را در صحنه سیاست دنیا در مقابل فرانسه بزانو در آورد در صد فتح هندوستان برآمد. برای نیل باین مقصود اتحاد با یکی از ممالک مجاور آن سرزمین را لازم میدانست مملکت ایران با موقع جغرافیائی خود که بر سر راه هندوستان واقع است از ممالک دیگر برای این اتحاد مناسب تر بود عامل مؤثر دیگری که امپراطور فرانسه را بایجاد روابط سیاسی با ایران وادار میکرد این بود که فتحعلیشاه از ابتدای سال ۱۲۱۸ قمری دچار زدو خورد با روسها شد و قواء خود را از لحاظ نظم و ترتیب قادر بمقاومت با سپاهیان روسیه ندید و نزدیکی یکی از دول ادو پائی را لازم شمرد دولت فرانسه از نیت پادشاه ایران استفاده کرد و باب مکاتبات و مرابطات را با دربار این مملکت مفتوح ساخت فتحعلیشاه در سال ۱۲۱۹ که بایروان لشکر کشید در محل اوج کلیسا با خلیفه ارامنه موسوم به داود ملاقاتی کرد و در طی این ملاقات اطلاعاتی در خصوص ناپلئون و وضع قواء نظامی فرانسه از وی کسب نمود و بفکر نوشتن نامه ای بامپراطور فرانسه افتاد و بالاخره مکتوبی بوسیله بران سفیر فرانسه در اسلامبول بدربار فرانسه فرستاد ناپلئون بعد از اطلاع بر مضمون مکتوب مزبور عزم خود را راجع بایجاد روابط با فتحعلیشاه جزم نمود و بلاد رنگ برای بدست آوردن اطلاعات بیشتر در خصوص وضع سیاسی و راههای ایران آمده ژو بر (۱) منشی مخصوص خود را از طریق عثمانی مامور ایران کرد و در همان ایام یکی از افسران فرانسوی را موسوم به رومیو (۲) در عقب وی روانه نمود چون افسر اخیر الذکر مستقیماً بایران میآمد پیش از سفیر اولی که ناگزیر از توقف در مملکت عثمانی بود باین کشور رسید (۱۲۲۰) پادشاه ایران از سفیر امپراطور فرانسه بخوبی پذیرائی کرد اما وی پس از چند روز اقامت در این سرزمین فوت شد و ژو بر که از راه عثمانی ماموریت آمدن بایران را داشت در سال ۱۲۲۱ هجری در سلطانیه بخدمت فتحعلی شاه رسید این سفیر نیز چندی

نگذشت که بسختی مریض شد و فتحعلی شاه از ترس آنکه مبادا وی هم مانند رومیو بمیرد او را وادار به مراجعت به فرانسه کرد و محض احترام میرزا شفیع صدر اعظم و یکی از امراء دربار خود محمدخان افشار را تا سرحد با آن سفیر فرستاد ژوبر مکتوب پادشاه ایران را به ناپلئون رسانید. امپراطور فرانسه پس از ورود ژوبر به پاریس به دفعات عده دیگری را بعنوان سفارت بدربار ایران فرستاد هر وقت برین این سفر او نمایندگان ژوانن (۱) دو لابلانش (۲) بوتان (۳) بودند سفراء مزبور هر يك با مکتوبی جداگانه بخدمت فتحعلی شاه رسیدند و چون ناپلئون در این مکاتبات گوشزد کرده بود که حاضر به مساعدت با ایران در جنگهای روسیه و فرستادن افسرانی جهت تربیت قواء نظامی این سرزمین است پادشاه ایران یکی از رجال دربار خود موسوم به میرزا رضا خان قزوینی را بعنوان سفارت پیش ناپلئون فرستاد این سفیر در محل فین کن اشتاین (۴) واقع در لهستان بخدمت ناپلئون رسید و معاهده ای با وی در شانزده ماده منعقد ساخت (۱۲۲۲) بموجب این معاهده که مواد مهم آن ذیلا ذکر خواهد شد ناپلئون ژنرال گاردان (۵) را باتفاق هیئتی از افسران که هر يك از آنها در فنی از فنون مختلف نظام تجربه و لیاقت کافی داشت روانه ایران کرد.

مهمترین مواد عهدنامه فین کن اشتاین بقرار ذیل است :

- ۱- ناپلئون تعهد کرد که گرجستان را از روسیه پس بگیرد و بایران واگذار کند
- ۲- امپراطور فرانسه باید برای پیشرفت عملیات نظامی ایران در جنگهای با روسیه توپ و تفنگ و افسران لازم را بایران بفرستد.
- ۳- دولت ایران باید جمیع انگلیسهای مقیم مملکت را از خاک خود خارج کند و بدولت انگلیس اعلان جنگ دهد.
- ۴- دولت ایران متعهد میشود که سرحدات خود را بر روی عمال انگلیسی مسدود سازد.

۵- ایران باید با قبائل مختلف افغانستان بر ضد انگلیس متحد شود و بهندوستان

حمله کند.

۶. هر وقت ناپلئون قصد لشکرکشی به هندوستان را دارد دولت ایران باید راه عبور را برای فرانسویان آماده سازد.

هیئت اعزامی فرانسه در تحت ریاست ژنرال گاردان و باتفاق میرزا رضاخان قزوینی در شوال سال ۱۲۲۲ وارد تهران شدند. اعضاء این هیئت را افسران عالیرتبه فرانسوی از آنجمله ژنرال ترزل (۱) ژنرال فابویه (۲) ژنرال ربول (۳) متخصص توپخانه برنار (۴) مهندس و نقشه بردار. لامی (۵) و بوتان (۶) از افسران مهندس ووردیه (۷) افسر پیاده نظام و یکنفر طبیب و چند نفر مترجم و مساعی مذهبی تشکیل میدادند. هیئت نظامی فرانسه در چمن سلطانیه بترتیب قواء نظامی ایران و آشنا کردن آنها با وضع نظام اروپا میپرداختند و پس از آنکه از امور مربوط بخود اطلاع کافی حاصل میکردند دسته دسته بمیدان جنگ در قفقاز به میرفتند. و رود افسران فرانسوی واقدماتی که آنها در تربیت سربازان کردند یکی از مقدماتی است که ایران را تا اندازه ای باتمدن اروپائی آشنا کرده ولی متاسفانه هیئت مزبور نتوانست آنطور که لازم بود بدولت ایران خدمت نماید و از پیشرفت روسها جلوگیری کند. البته جز گرفتاری ناپلئون در اروپا که نمیتوانست مطابق قرارداد فین کن اشتاین رفتار نماید موضوع دخالت انگلیسها در سیاست این سرزمین و تحریکاتی که مینمودند در شکست ایران از روسیه مؤثر بوده است که بحث در آن از موضوع کتاب خارج میشود. ناپلئون کبیر بالاخره به مقتضای وقت با الکساندر اول تزار روسیه در تیلسیت (۸) معاهده ای منعقد ساخت و در آن معاهده بهیچوجه گفتگویی از برگرداندن گرجستان بایران به میان نیامد و فتح شاه را رنجیده خاطر کرد پادشاه ایران برای آنکه از حقیقت امر و نیت ناپلئون نسبت به وضع ایران اطلاع حاصل کند گاردان را وادار کرد که با امپراطور وارد مذاکره شود تا وسائل مصالحه بین ایران و روسیه را فراهم سازد و عسکرخان و تو استوی (۹) سفراء ایران و روسیه در پاریس معاهده لازم را با اعضاء رسانند. گاردان مراتب را با اطلاع امپراطور فرانسه رسانید اما تزار روسیه با این امر مخالفت ورزید و ناپلئون هم اصراری نکرد

1- Trézel 2-Fabvier 3-Reboul 4-Bernard 5-Lamay 6-Bontemps
3-Verdier 4-Tilsit 1-Tolstoy

فتحعلیشاه که بر این موضوع آگاهی یافت بنای بی‌اعتنائی را با گاردان و هیئت فرانسوی گذاشت و بوسیله میرزا شفیع صدراعظم حکم خروج آنهار از ایران صادر کرد و گاردان در سال ۱۲۲۳ از راه آذربایجان و آسیای صغیر عازم اروپا شد.

چنانکه میدانیم دولت انگلیس از قرن هیجدهم به بعد با روابط ایران با انگلیس و مسائل مختلف سیاسی و نظامی بتدریج هندوستان را ضمیمه متصرفات خود کرد. دولت مزبور برای حفظ هندوستان همواره سعی در ایجاد روابط دوستی و سیاسی با ممالک مجاور آن کشور مینمود از بین این ممالک ایران بواسطه موقع جغرافیائی خود اهمیت خاصی داشت چه تمام افغانستان که در واقع معبر منحصر بفردهندوستان است در تحت سلطه و نفوذ ایران بود. بهمین مناسبت برای جلوگیری از خطر حمله بهندوستان بتوسط ناپلئون کبیر در صد تجدید مراتب دوستی با ایران و مبادله سفراء بین دو دولت بر آمد اولین سفیری که در زمان فتحعلیشاه از طرف حکومت هندوستان بایران آمد مهدیقلیخان بهادر جنک نام داشت که در سال ۱۲۱۴ در تهران بخدمت پادشاه رسید بعد از سفیر مزبور سر جان ملکم (۱) پایانصد نفر از همراهان خود بعنوان سفارت بایران آمد (۱۲۱۵). سر جان ملکم بتحصیل بعضی امتیازات سیاسی و اقتصادی در ایران نائل شد و بعد از سه ماه توقف در تهران به اتفاق حاج خلیلخان قزوینی که از طرف فتحعلی شاه ب سفارت ایران در هندوستان انتخاب شده بود مراجعت کرد. اما سفیر ایران در بمبئی بتوسط یکی از مردم آشوب طلب بقتل رسید و دولت هندوستان از پادشاه ایران بوسیله مکتوبی از این پیش آمده هذرت خواست (۱۲۱۹) و فتحعلیشاه که متوجه شد این امر عمدی نبوده عندر نایب السلطنه هندوستان و لژی (۲) را پذیرفت و محمدنبی خان خواهرزاده حاج خلیلخان قزوینی سابق الذکر را بعنوان سفارت بهندوستان فرستاد. چون هیئت نظامی گاردان همانطور که شرح آن گذشت وارد ایران شد روابط سیاسی بین انگلیس و ایران قطع گردید و چندی کار بهمین منوال بود تا آنکه فتحعلیشاه فرانسویان را از این سرزمین رانده بارفتن فرانسویان روابط ایران و انگلیس تجدید و مبادله سفراء آغاز شد از سفراء انگلیسی که از

هندوستان یا مستقیماً از لندن بایران آمده اند بذکر اسامی سر جو نرهار فودر (۱) و سر جان ملکم سابق الذکر و سر فرد آزلی (۲) میپردازیم. دولت ایران نیز سفرائی برای ایجاد روابط دوستی و جلب توجه انگلیس راجع باختلافات باروسیه به لندن فرستاده است که مهمتر از همه میرزا ابوالحسن خان شیرازی بود. سرکر آزلی سفیر انگلیس بمحض آنکه به تهران وارد شد در صدد برآمد که برای جلوگیری از خطر حمله از جانب ایران به هندوستان قراردادی با فتحعلیشاه منعقد سازد و بالاخره توانست عهدنامه ای را متضمن یازده فصل تنظیم نماید عهدنامه مزبور بتوسط سفیر جدید انگلیس در ایران بنام الیس (۳) در سال ۱۲۲۹ در تهران بادضاء رسید.

مواد مهمی که مربوط به تعهدات ایران در این عهدنامه آمده بقراردیل است.

۱- قبول حکمیت نماینده انگلیس در اختلافات سرحدی باروسیه.

۲- جلوگیری از هجوم افغانه بخاک هند.

۳- دولت ایران نباید اجازه عبور سپاه ممالک دیگر را از این سرزمین به

هندوستان بدهد.

۴- ایران نباید بادولتی که دشمن انگلیس است قرارداد دوستی منعقد سازد

و از طرف آن دولت برای تربیت سپاهیان خود مرئی و افسر بپذیرد.

مهمترین موادی که انگلیس در عهدنامه مزبور تعهد کرد از اینقرار است:

۱- دولت انگلیس باید بمبلغ ۱۵۰۰۰۰ هزار لیره هر ساله بایران بپردازد تا

بمصرف حفظ سرحدات شمالی این سرزمین برسد.

۲- دولت انگلیس نباید درامورداخلی افغانستان مداخله نماید.

۳- اگر دولتی بایران حمله کند انگلیس باید در رفع این پیش آمد مساعدت

لازم را بنماید.

فتحعلیشاه از عهد نامه ایکه با انگلیس بسته بود نتیجه ای نبرد و کلیه مواد

آن به نفع دولت انگلیس تمام شد و در واقع مقدمه ای برای باز شدن پای انگلیسها در

این سرزمین و شروع رقابت آنها بازوسها گردید .

دولت روسیه از دیرباز چشم طمع ببلاد آ باد و اراضی حاصلخیز روابط ایران با روسیه قفقازیه دوخته بود منتها قدرت و عظمت نادر شاه از یکطرف و گرفتاریهای آن دولت در اروپا از طرف دیگر برای مدت قلیلی دولت مزبور را از انجام این مقصود بازداشت اما فکر تصرف قفقازیه از دماغ تزاران روسیه دور نمیشد تا اینکه در زمان فتحعلی شاه قاجار الکساندر اول تزار روسیه از اوضاع خراب و اغتشاش داخلی ایران استفاده کرد و موقع را برای هجوم به قفقازیه مناسب دید بعلاوه انقلابات داخلی گرجستان و اختلافات بین حکمرانان آن ناحیه روسیه را بفتح قفقازیه و رسیدن بمجرای رودارس و ادار نمود و یک سلسله محارباتی بین دولتین ایران و روسیه بروز کرد که شامل دو دوره است در دوره اول سیسیانوف (۱۲۱۸-۱۲۲۸) و در دوره دوم پاسکیویچ ریاست قوای روسیه را داشتند (۱۲۴۱-۱۲۴۳) و در تمام این مدت عباس میرزا ولیعهد با کمال رشادت و شهامت از سرحدات مملکت دفاع میکرد اما بر اثر سستی فتحعلیشاه در فرستادن آذوقه و خست و لشاهتی که در امور مادی میوزید دولت ایران شکست خورد . پس از خاتمه دوره اول محاربات روسیه و ایران عهدنامه گلستان (۱۲۲۸) منعقد شد ، در انعقاد این عهدنامه سرگر آزلی سفیر انگلیس دست داشت و بالاخره پس از مدتها مذاکره عهدنامه مزبور در یازده فصل و یک مقدمه نوشته شد و با حضور سفیر انگلیس بتوسط نیکلاس سردار روسیه و میرزا ابوالحسن خان شیرازی نماینده ایران با امضاء رسید . بموجب عهدنامه گلستان ایران از ولایات قره باغ و گنجه و خانات و شکمی و شیروان و قبه و دربند و باکو و داغستان و گرجستان چشم پوشید و دولت روسیه تعهد کرد در موقعیکه ولیعهد ایران برای رسیدن به تاج و تخت دچار مخالفت یاغیان و سرکشان شود بوی مساعدت نماید .

جنگهای دوره دوم چنانکه گفته شد منجر به عهدنامه ترکمنچای گردید (۱۲۴۳) چون سپاه روسیه پیشرفت فراوانی کرد و روسها تبریز را گرفتند

سر جان ماکدونالد (۱) دریم و هراس افتاد و فتحعلیشاه را وادار بانعقاد عهدنامه مزبور در شانزده فصل و قرار داد تجارتهی در نه فصل نمود قرار داد ترکمن چای در مجلسی که از پاکسیویچ و سفیر انگلیس و عباس میرزا و قائم مقام و آصف الدوله و حاج میرزا ابوالحسن خان شیرازی تشکیل شده بود باامضاء رسید و دولت روسیه علاوه بر آنچه در عهدنامه گلستان ذکر شد ایروان و نخجوان و دشت موغان را بدست آورد و مجرای رود ارس سرحد دولتین شد و انبیاغ آن دوات در ایران از تابعیت قوانین حقوقی و جزائی معاف گردیدند و کشتی رانی در دریای خزر بدولت مزبور انحصار یافت و پنج ملیون تومان غرامت گرفت.

روسها با انعقاد عهد نامه ترکمن چای و تصرف قفقازیه بسختی با انگلیسها بر سر سیاست خود در ایران بنای رقابت را گذاشتند و این رقابت از زمان ناصرالدین شاه که بدستیاری روسها و با حسن سیاست امیر کبیر در تهران تاج گذاری کرد شدت گرفت و از اواخر سلطنت وی دولتین روس و انگلیس رسماً در کارهای اداری مملکت دخالت کردند و در دوره مظفرالدین شاه با دادن قروضی بایران امتیازاتی در شمال و جنوب بدست آوردند.

فصل سوم

آشنا شدن ایران با تمدن اروپائی

چون محمدشاه مرد (۱۲۶۴) در سراسر ایران اغتشاشات

نظر اجمالی

و انقلاباتی برپا شد و هر کسی در گوشه و کنار مملکت داعیه

سلطنت در سر می پخت و حاج میرزا آقاسی که میدید وزراء و بزرگان اطاعت امر او را نمیکنند و انتظار آمدن ناصرالدین میرزا ولیعهد را از تبریز دارند در صدد برآمد مقام خود را بهر نحوی که شده باشد حفظ نماید. بنا بر این جمعی از سپاهیان را آماده ساخت و چون نتوانست در مقابل رجال کشور و سران سپاه مقاومت نماید

بحضرت عبدالعظیم پناهنده و در آنجا متحصن شد ، قیام حاج میرزا آقاسی اوضاع پایتخت را بسیار وخیم کرد و هر کسی بفکر بدست آوردن مقام صدارت در موقع ورود ولیعهد بتهران افتاد. تنها کسی که در پایتخت میتوانست تا اندازه ای از شدت وخامت اوضاع بکاهد مادر ناصرالدین میرزا مهد علیا بود . مهد علیا بتوسط علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه با سفراء روس و انگلیس بنای مذاکره را گذاشت و بالاخره با اطلاع آنها زمام امور را در دست گرفت و ناصرالدین میرزا را که در آن تاریخ شانزده سال داشت از تبریز خواست .

پس از فوت محمدخان زنگنه امیر نظام میرزا تقی خان فراهانی با لقب وزیر نظام که سمت منشی گری او را داشت متصدی امور مربوط بقواء نظامی آذربایجان شد و برای آوردن ولیعهد به تهران و جلوگیری از مقاومتی که ممکن بود بین راه تبریز و تهران بروز کند به تهیه قواء پرداخت و در همان اوان از طرف ناصرالدین میرزا ملقب به امیر نظام شد .

میرزا تقی خان امیر نظام که میدانست روسها بموجب معاهده گلستان (۱۲۲۸) متعهد شده اند که در موقع رساندن ولیعهد ایران به تاج و تخت از مساعدت دریغ نکنند با آنها راجع برفتن بتهران بنای مذاکره را گذاشت . مادر اینجانب برای مزید اطلاع عین فصل چهارم عهدنامه مزبور را که مربوط بهمین موضوع است ذکر میکنیم : «امپراطور روسیه برای ابراز و اظهار درستی به پادشاه ایران و برای اثبات ایمنی از طرف خود نسبت به ولیعهدان عظام اقرار مینماید که هر یک از فرزندان پادشاه ایران که بولیعهدی معین میگردد هر گاه محتاج باعانت و امداد دولت روسیه باشد مضایقه ننماید تا از خارج کسی نتواند در مملکت ایران دخل و تصرف کند و اگر در امور داخلی مابین شاهزادگان منازعاتی دست دهد دولت روسیه را در آن میانه کاری نیست مگر آنکه پادشاه وقت خواهش نماید .» در هر صورت امیر نظام ناصرالدین شاه را که در چهاردهم شوال ۱۲۶۴ در تبریز بر تخت سلطنت جلوس کرده بود در بیست و یکم ذی القعدة همان سال به تهران آورد . ناصرالدین شاه میرزا تقیخان را با لقب اتابک اعظم بمقام صدارت برگزید در دوران سلطنت ناصرالدین شاه مردم این سر زمین با تمدن

اروپائی آشنائی پیدا کردند و بتدریج پای وسائل این تمدن بایران باز شد. بانی این فکر و کسبیکه بیش از کلیه رجال در راه توسعه تمدن اروپائی در مملکت سعی و کوشش کرده میرزا تقیخان امیر کبیر است و چون بعد از وی اقدامات او بتوسط وزراء و رجال دیگر دنبال شد شیوع و انتشار تمدن غربی را در زمان ناصرالدین شاه بدو دوره تقسیم میکنیم یکی دوره امیر کبیر و دیگری دوره وزراء و رجالی که پس از وی روی کار آمدند. دامتد بعضی از اقدامات دوره دوم تا اواخر سلطنت قاجاریه نیز کشیده شده که تذکر آنرا لازم شمردیم. در هر صورت قبل از ورود در مبحث مخصوص بوسائل تمدن جدید و چگونگی اشاعه آن در ایران ناگزیر بشرح مختصری در احوال بعضی از این رجال میپردازیم.

بزرگترین و معروفترین وزراء و رجالی که در راه آشنا کردن ایران با تمدن اروپائی بعد از امیر کبیر خدمات نمایانی کرده اند حاج میرزا حسین خان سپهسالار و حاج یحیی خان مشیرالدوله و حاج میرزا علی خان امینالدوله بودند.

میرزا تقیخان فرزند کربلایی قربان از مردم هزاوه فراهان
 امیر کبیر
 یکی از مجال عراق است. کربلایی قربان در خانه میرزا عیسی قائم مقام اول به آشپزی اشتغال داشته و پس از وی در دستگاه پسرش قائم مقام ثانی همین سمت را حفظ کرده است.

میرزا تقیخان در ابتدای جوانی منشی و محرم اسرار میرزا عیسی ملقب به میرزا بزرگ پدر قائم مقام ثانی بوده است و بعد از فوت وی در خدمت پسرش درآمد و بهمان شغل کتابت مشغول شد و تا سال ۱۲۴۴ که قائم مقام او را بهمراهی خسرو میرزا پسر ولیعهد بروسیه فرستاد بمنشی گری مشغول بوده است و بعد از مراجعت خسرو میرزا و امیر نظام زنگنه از مسافرت بروسیه که برای عذرخواهی از قتل گری بایدف سفیر تزار در تهران بآن سرزمین رفته بودند از سلك منشیان قائم مقام بیرون آمد و بمیرزا محمدخان زنگنه امیر نظام پیوست و متصدی کارهای لشکری شد و در این راه معرفت و تجربه کامل حاصل کرد و ملقب بمستوفی نظام شد. لیاقت و کاردانی و

بشتکار میرزا تقیخان موجبات محبوبیت او را در خاطر امیر نظام زنکنه فراهم ساخت و روز بروز بر قدر و منزلت او افزوده شد تا آنجا که بمقام سرتیپی رسید و ملقب بوزیر نظام گردید و چنانکه گفته شد این لقب را تا موقعی که ناصرالدین شاه از تبریز برای جلوس بتخت سلطنت بطرف تهران حرکت کرد داشت و از آن پس شاه ویرا ملقب بامیر نظام نمود و چون ناصرالدین شاه بتهران رسید او را با بزرگترین القاب یعنی لقب اتابک اعظم بصدارت خود برگزید.

همانطور که اشاره شد میرزا تقیخان فراهانی مسافرتی بسن بطرز بورك کرد. این مرد در مدت اقامت خود در شهر مزبور بوضع مدارس و چگونگی تعلیم و تربیت اروپا و اهمیت کارخانه ها و ترقی صنایع در آن سرزمین آشنا شد و همین امر وی را برای آوردن وسائل تمدن جدید در ایران آماده ساخت.

امیر نظام برای رفع اختلافات سرحدی در سال ۱۲۵۹ مسافرتی نیز بارزنة الروم کرده است و در این مسافرت بخوبی از انجام این مهم بر آمده و معاهده ای در سال ۱۲۶۲ بادولت عثمانی منعقد ساخته است. امیر در مدت اقامت خود در ارزنة الروم چون همواره با نمایندگان و سفراء انگلیس و روس در تماس بود کلا بر موزسیاست دول عظیمه آشنا شد و بدسائس آنها در مشرق بخوبی پی برد و بالنتیجه شم سیاسی و استعداد ذاتی اوقوت عجیبی بخود گرفت.

امیر کبیر در بیستم محرم ۱۲۶۸ بامر ناصرین شاه از صدارت معزول شد و میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری که سابقا وزیر لشکر بود بدان سمت منصوب گردید چون امیر کبیر از مقام صدارت عزل شد مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه واعتمادالدوله که باوی مخالفت داشتند از ماندن او در تهران در بیم و هراس بودند و هیترسیدند مبادا شاه دوباره او را بر سر کار آورد بنا بر این شاه را وادار کردند حکومت کاشان را بامیر بدهد و امیر ناچار عازم کاشان شد ولی شاه بتحریک دشمنان فرمان قتل یکی از بزرگترین رجال ووزراء ایران را صادر کرد و آنرا بتوسط حاج علیخان بکاشان فرستاد و در دوشنبه هیجدهم ربیع الاول ۱۲۶۸ یکی از دلاکان بامر حاج علیخان در حمام فین رگهای امیر را

زد و پس از آن جنازه او را به عقبای حمل کردند .

اینک بشرح اقدامات مفیدی که این مرد بزرگ و نامی در راه ترقی و تعالی ایران و آشنا کردن مردم با رسوم و آداب و تمدن جدید کرده مبادرت میورزیم :

- ۱- حذف القاب و تعارفات بیمورد که کتاب و منشیان مانند زمان صفویه و قاجاریه در مراسلات خود میآوردند . در این مورد امیر باندازه ای اصرار میورزید که حتی حاضر نمیشد در مراسلات لقب صدراعظم را بوی خطاب کنند و بهمان کلمه جناب اکتفا مینمود .
- ۲- برانداختن رشوه خواری امیر از همان ابتداء صدارت خود موضوع رشوه

خواری را که عمال دولتی به نام و بن مختلف مداخل و پیشکی و عایدات و سیورسات اعمال میداشتند از بین برد و فرمانی به جمیع حکام صادر کرد که باید امانت و صداقت را در امور پیشه خود سازند و گرد ارتشاه نگردند و بوسیله منبیهان مخصوص خود اعمال حکام و ولات را مستقیماً تحت نظر خود در میآورد و در دفعه اول آنها را در صورت ارتشاه سرزنش میکرد و در دفعه ثانی از حکومت معزول مینمود و محکوم به مجازات نقدی میکرد . اقدام امیر در از بین بردن رشوه خواری جمیع عمال دولتی را بوظائف خود آشنا ساخت و باعث شد که کلیه مالیات در سه موعده وصول گردد و چون به مامورین دولتی فراخور لیاقت و کار آنها مواجب و مقرری میداد امور مملکتی بسرعت پیشرفت میکرد و کارها در دست کاردانان میافتاد و بالطبع مامورین مفرض و رشوه خوار از میان میرفتند .

- ۳- اصلاح امور مالی وضع مالی ایران بعد از قائم مقام چهار بحران عظیمی شده بود و علت آن عدم توازن و تعادل مالی با وجود مستمریهای گزاف و بیمورد در حق رجال و درباریان بی مصرف بود . چون امیر سر کار آمد توجه وی معطوف با اصلاح امور مالی کشور شد و برای خاتمه بحران مالی هیئتی از مستوفیان تحت نظر میرزا یوسف مستوفی الممالک آشتیانی که وزارت استیفاء را برعهده داشت تشکیل داد تا دخل و خرج مملکت را تنظیم و تعیین نماید . چون خرج مملکت بیش از دخل آن بود امیر از حقوق کسانی که از خزانه دولت مواجب دریافت میداشتند یعنی از شخص خود گرفته تا کوچکترین مستخدم کشور به تناسب مبالغی کاست و باین ترتیب دخل و خرج را تعدیل کرد . بعد از این عمل به قطع مستمری کسانی که منشاء و مصدر هیچگونه خدمتی برای مملکت نبودند

دست زد. این وزیر باتدبیر در رعایت حال مودیان مالیات که سابقاً همواره از دست
 عمل استیفاء در زحمت بودند سعی زیادی کرد و برای رفاه حال آنها اگر ناحیه ای دچار
 آفت میشد به تناسب خسارت وارده از میزان مالیات میکاست.

۴ - اصلاح نظام چون امیر میدانست برای رفع اغتشاشات داخلی و مقاومت
 در مقابل دست اندازیهای خارجیان ایران محتاج بنظام قوی با اسلوب نظام جدید اروپاست
 در توسعه سپاه این مملکت سعی بلیغی از خود ابراز میکرد و امارت نظام را که همان
 وزارت جنگ امروزی باشد شخصاً در عهده داشت. موقعیکه میرزا تقی خان در آذربایجان
 وزارت نظام امیر نظام زنکته را داشت بر اثر معاشرت با افسران خارجی به تعلیمات جدید
 نظام آشنا شده بود و با مشاهده سپاهیان روسیه و کارخانه های اسلحه سازی آن سرزمین
 فکر ایجاد نظام جدید در مخیله وی خطور کرد و چون بصدارت رسید آن فکر را بر حلقه
 عمل رساند. مادر اینجا بشرح اصلاحات نظامی بتوسط امیر میردازیم:

امیر در کلیه ایالات و ولایات متناسب با جمعیت و اهمیت آن هنگهائی از سر بازان
 تربیت میکرد و در بعضی از نواحی بعمل اقتصادی مراعات حال رعایا را مینمود چنانکه
 از ارامنه اصفهان سر باز نمیخواست و حال آنکه ارامنه آذربایجان يك هنگ جدید ۹۰۰
 نفری تربیت داده بودند. این وزیر برای متحدالشکل کردن نظامیان کلیچه های نظامی
 و شلوار تنک را از اطریشها اقتباس و بین سر بازان در کلیه تقاطع متداول کرد و در سال
 ۱۲۶۷ ملیله دوزی و مفتول دوزی لباس نظامیان را مانند اطریشها معمول ساخت البسه
 نظامی با پارچه های وطنی تهیه میشد و دوختن تکمه های شیر و خورشید بلباس نظامیان
 از آن وقت در ایران معمول شد.

امیر برای توسعه نظام با ایجاد بعضی کارخانه های اسلحه سازی نیز پرداخته که
 بجای خود ذکر خواهیم کرد. راجع بتشکلات و میزان قوا و اصلاحاتی که در راه
 ترقی نظام ایران در زمان امیر کبیر بوقوع پیوسته یکنفر سیاح انگلیسی معاصر وی
 اینطور مینویسد. «سپاه ایران اکنون از پنجاه هنگ پیاده نظام و دوازده دسته سواره
 نظام و دوهزار توپچی و دویست نفر زنبور کچی تشکیل یافته است و هر فوج از هزار نفر که
 هشتصد نفر آن سر باز و دویست نفر دیگر صاحب منصب و نفرات غیر صفی هستند بوجود میآید

هر هنگ به ده دسته تقسیم میشود و در رأس هر دسته يك سلطان قرار دارد و هر هنگ تحت فرماندهی سرهنگی است و در رأس هر فوج يك سرتیب قرار دارد .

سوار نظام بر دو قسم است غلامرکاب یا گارد شاه و ولیمهد و غلامسوار یا سوار نظام معمولی « از آنچه گفته شد معلوم میگردد که امیر در توسعه و رفاه حال نظامیان کوشش فراوان میکرده و برای آنکه نظامیان بتوانند از اسرار نظام جدید اروپائی مطلع شوند به طبع و نشر کتب مفید نیز اقدام نموده است از آنجمله کتاب نظام ناصری تألیف بهرام میرزا در فنون مختلف نظام است .

بنای عمارت توپخانه در سال ۱۲۶۷ . احداث ۸ باب سر بازخانه در خارج شهر تهران ساختن قراولخانه و قلاع نظامی در نقاط سوق الجیشی نیز جزو اقدامات امیر در نظام و توسعه آن محسوب میشود .

۵ - تاسیس مدرسه دارالفنون یکی از اقدامات مفید امیر کبیر برای اشاعه تعلیم و تربیت اروپائی در این مملکت تاسیس مدرسه دارالفنون است . سنگ بنای دارالفنون در سال ۱۲۶۶ در زمین واقع در شمال شرقی ارك سلطنتی نهاده شد . نقشه آنرا امیر زارضای مهندس یکی از محصلین پنجگانه ای که در زمان فتحعلیشاه برای تحصیل علوم مختلف از طرف دولت بانگلیس رفته بودند طرح کرد و یکی از معماران موسوم به محمد تقی خان معمار باشی مادر ساختمان آن شد . در ورودی سابق دارالفنون بطرف خیابان باب همایون باز میشد و در فعلی آن که در خیابان ناصر خسرو است در سال ۱۲۹۲ احداث گردید . امیر کبیر یکماه پس از شروع بساختن دارالفنون در صدد استخدام معلمین اروپائی برآمد و برای این کار اطریشیه را در نظر گرفت و جان داودخان ارمنی مترجم دولت را در سال ۱۲۶۷ مامور انجام این مهم کرد و ویرا باطربیش فرستاد . این شخص شش نفر از اطریشی ها را برای تدریس در مدرسه دارالفنون استخدام کرد که معروفترین آنها کاپیتان زاتی (۱) مخصوص مهندسی کارنو تا (۲) معلم عملیات کوهستانی دکتر پلاسی (۳) معلم دواسازی بودند . میرزا داودخان سابق الذکر روز جمعه ۲۷ محرم ۱۲۶۸ یعنی دوازده روز پس از عزل امیر از منصب صدارت با معلمین اطریشی وارد تهران شد و بخدمت

شاه رفت و آنها را معرفی نمود و روز یکشنبه پنجم ربیع الاول ۱۲۶۸ یعنی سیزده روز قبل از قتل امیر کبیر مدرسه دارالفنون بتوسط شاه افتتاح شد و برای هر يك از معلمین مترجمی را از بین شاگردان ایرانی که بفرانسه در زمان محمد شاه (۱۲۶۰) فرستاده شده بودند انتخاب کردند که معروفترین آنها میرزا زکی پسر حاج میرزا مقیم مازندرانی علی آبادی، میرزا ملکم خان پسر میرزا یعقوب خان ارمنی، محمد حسن خان قاجار میرزا رضای کاشانی، میرزا آقای تبریزی، و میرزا عبداله هابزادی بودند. دارالفنون در ابتدای تاسیس شامل هفت شعبه پیاده نظام، سواره نظام، توپخانه، مهندسی، طب و جراحی، دواسازی و معدن شناسی بود. بعلاوه در مدرسه مزبور علوم دیگری که ارتباط با شعب هفت گانه مدرسه داشت تدریس میشد مانند تاریخ و جغرافیا و طبیعیات و ریاضیات و فرانسه و غیره. از مؤسسات ضمیمه دارالفنون کارخانه شمع کافورساری و آزه ایشگاه فیزیک و شیمی و داروسازی و مطبوعه ای بود که بعدها معروف به مطبوعه دولتی شد. در دارالفنون کتابخانه ای نیز ایجاد کردند که علیقلیخان پسر رضاقلیخان هدایت که بعدها به مخبرالدوله ملقب شد و یکی از شاگردان دارالفنون بود بر آن ریاست داشت. ریاست مدرسه دارالفنون را در سال اول تاسیس میرزا محمد علیخان شیرازی داشت (۱۲۶۸) و پس از فوت وی در سال ۱۲۶۸ عزیزخان آجودان باشی به آن مقام رسید و رضاقلی خان هدایت بشغل نظامت منصوب گردید.

یکی دیگر از مدارسسی که در آن اوان تاسیس شد مدرسه آرامنه تبریز است که در سال ۱۲۶۸ اجازه تاسیس آن از طرف ناصرالدین شاه داده شده.

۶- اعزام صنعتگر به اروپا - امیر کبیر برای توسعه صنایع جدید در ایران در صدد فرستادن عده ای از صنعتگران به اروپا برآمد و برای این منظور پنج نفر را روانه روسیه کرد که در شهرهای سکو و سن بطرزبورک بتحصیل صنایع مختلف جدید بپردازند و پس از بازگشت بکشور از وجود آنها استفاده نماید. این عده پنج نفری عبارت بودند از کر بلائی عباس - کر بلائی صادق - کر بلائی احمد - مشهدی علی و آقا عبدالله عده مزبور بترتیب در کارخانه های بلورسازی و چدن ریزی و قند و نچاری و شمعائی مشغول کار شدند غیر از صنعتگران مزبور امیردو نفر از تجار حریر باف کاشان را نیز باسلامبول فرستاد

تابافن نساجی جدید آشنا شوند.

۷- تاسیس روزنامه امیر کبیر برای اشاعه معارف روزنامه‌ای را بنام روزنامه وقایع اتفاقیه در سال ۱۲۶۷ تاسیس کرد اولین شماره آن در روز پنجم ربیع الثانی سنه مزبور منتشر شد و این شماره عنوان روزنامه اخبار دارالخلافه تهران را داشت و از شماره دوم در تحت نام روزنامه وقایع اتفاقیه انتشار یافت. در صفحه اول آن عبارت یا اسدالله الغالب و علامت شیر و خورشید ایران دیده میشود. روزنامه وقایع اتفاقیه تا سال ۱۲۷۷ به همین طریق و با همین اسم منتشر میشد و در سنه اخیر الذکر از شماره ۴۷۴ نام آن بصورت روزنامه دولت علیه ایران درآمد و ما شرح این روزنامه و روزنامه‌های دیگر فارسی را بجای خود در تحت عنوان روزنامه در ایران ذکر خواهیم کرد. میرزا تقی خان حاج میرزا جبار، نظم‌المهام تذکره‌چی را به مدیریت روزنامه وقایع اتفاقیه انتخاب کرد و ادوارد برجس (۱) انگلیسی را که در زمان عباس میرزا برای تصدی چاپخانه استخدام شده بود بعنوان مترجم در اداره روزنامه مزبور گماشت. این روزنامه شامل اخبار داخله و خارجه و بعضی مقالات علمی بود. لیدی شیل زوجه وزیر مختار انگلیس بوجود روزنامه دیگر که فقط برای شاه و صدراعظم تهیه میشد اشاره مینماید و میگوید در روزنامه مزبور مطالبی منتشر میشد که اطلاع مردم بر آنها لازم نبود و البته با دست نوشته میشد و بجای نمیرسید.

۸- ترجمه و انتشار کتب میرزا تقی خان امیرچه قبل از صدارت و چه در وقتیکه بصدارت رسید در تألیف و ترجمه و طبع و نشر کتب مختلف سعی بلیغی میکرد از آن جمله وقتیکه مامور ارزنة الروم شد در ضمن اقامت خود در آنجا ژان داود مسیحی را وادار به ترجمه یکی از کتب جدید جغرافیای خارجه بزبان ترکی کرد و سپس دستور داد میرزا محمد حسین فراهانی دبیر المملک آنرا از ترکی بفارسی برگرداند، اسم این جغرافیا جهان‌نمای جدید یا جغرافیای کره بود و اولین کتاب جغرافیاست که با اصول و اسلوب جدید بفارسی نوشته شده است و نسخه آن در کتابخانه ملی وزارت فرهنگ موجود است دیگر از کتبی که در زمان امیر ترجمه و تألیف شده باز کتابی است در جغرافیا که

در سال ۱۲۶۷ بتوسط فلاغون میکائیل از فرانسه ترجمه شد و در تبریز به چاپ رسید و علاوه بر کلیات جغرافیائی و ممالک عالم در خصوص جغرافیای ایران اطلاعات بیشتری بر آن افزوده شده است. یکی دیگر از خدمات امیر در ایران و ادار کردن فلاغون میکائیل سابق الذکر است به ترسیم و چاپ بیست و پنج نقشه از ممالک دنیا، در زمان امیر یکنفر یونانی مقیم تبریز موسوم به رفائیل یک نقشه ایران و یک جهان نما ترسیم کرد.

از بین کتبی که در عهد میرزا تقی خان امیر ترجمه شده دو جلد تاریخ راجع به ناپلئون و کتاب دیگری مربوط به فرماندهی ناپلئون است که هر دوی آنها در سال ۱۲۶۸ بطبع رسیده کتاب نظام ناصری تألیف بهرام میزا معز الدوله پسر عباس میرزا نیز از کتبی است که در زمان امیر طبع شده است. این کتاب مربوط به فنون مختلف جنگ است که بین صاحب منصبان تقسیم شد. برای جلوگیری از امراض ساریه و آشناسدن مردم بخصوص کسانی که دور از شهرها در دهات زندگی میکردند در زمان امیر بدستوری کتبی در جلوگیری از آبله و وبا و امراض دیگر بطبع رسید و در اختیار روحانیون و کدخدایان محل برای توزیع بین باسوادان و استفاده از آن گذاشته شد.

۹- توسعه امور صحتی میرزا تقی خان امیر کبیر برای توسعه امور مربوط به حفظ صحت مردم و جلوگیری از کثرت متوفیات اقداماتی کرده است که از آن جمله تأسیس مریضخانه ای را با اسم مریضخانه دولتی میتوان محسوب داشت. بنای این مریضخانه که بیرون دروازه دولت بود در سال ۱۲۶۶ شروع شد و دو سال پس آن تاریخ پایان رسید. این مریضخانه در اوائل ماه ربیع الاول سنه ۱۲۶۸ افتتاح شد و در آن وسائل پذیرائی و معالجه چهارصد نفر بیمار را تهیه کرده بودند و داروخانه مخصوصی نیز داشت و ریاست آن با میرزا محمدولی حکیم باشی نظام بود. چون در شهرهای دیگر ایران مریضخانه ای احداث نگردیده بود امیر برای معالجه مردم بخصوص نظامیان اطباء باتجربه و لایق را گسیل داشت و چنانکه گفتیم یکی از شعب دارالفنون مربوط به طب جدید بود که محصلین ایرانی بسرپرستی دکتر بلاک اطریشی سابق الذکر با موختن طب و جراحی مشغول بودند و دروس عملی خود را در مریضخانه دولتی میدیدند. دیگر از اقدامات مهم امیر قرار امتحان اطباء بود که تا آن زمان با اطلاعات بسیار مختصر

بشغل طبابت مشغول بودند بدستور امیر این قبیل اطباء میبایست امتحانات لازمه را برای گرفتن تصدیقنامه پیش یکی از علمای طب دارالفنون بدهند و از آن پس بشغل طبابت ادامه دهند تلقیح عمومی آبله یکی از اقدامات مهم امیر بود. چنانکه گفتیم رسالتهای برای آشنا کردن مردم به لزوم تلقیح تالیف و ترجمه و در دسترس عموم گذاشته شد و با درج مقالات در روزنامه و قایع اتفاقیه عامه را با مراضی که بر اثر آشامیدن آبهای آلوده تولید میشود آشنا ساخت و در جلو گیری از آنها دستورهای لازمه را میداد.

۱۰ - احیاء و ایجاد ابنیه میرزا تقی خان در تامین و احیاء ابنیه تاریخی و احداث ابنیه جدید و عمران و آبادی سعی وافری نموده است و آثار فراوانی از خود بیادگار گذاشته است یکی از آثار وی در تهران سرای اتابکیه است که به سرای امیر مشهور شده. سرای امیر با اهتمام آقامهدی ملک التجار در جمادی الثانیة ۱۲۶۷ پایان یافت این بنا دارای دو طبقه و مشتمل بر ۳۳۶ حجره بود و بقصد توسعه تجارت و داد و ستد مملکت ایجاد شد. یکی دیگر از آثار امیر سرای دیگری است در تبریز معروف بهمان اسم سرای امیر که در موقع وزارت نظام خود در آذربایجان ساخته است. مسجد شیخ عبدالحسین یا مسجد ترکها واقع در بازار نیز از ابنیه دیگر امیر است که در ایام حیات وی بانجام نرسید و پس از او خاتمه یافت.

در سال ۱۲۶۷ در نیاوران شمیران عمارت ییلاقی بدستور امیر بنا نهاده شد در سال ۱۲۶۸ امیر در سفر خود باصفهان دستور ایجاد ساختمان رانزدیک عمارت سعادت آباد کنار زاینده رود داد که معروف به بنای اتابکیه شده است و در همان شهر عمارت دولتی اشکوهی را با اسم عمارت میدان در سبزه میدان ساخت که برای دادوستد بکار میرفت. در سال ۱۲۶۷ در چشمه علی دامغان عمارتی بنا نهاد و بوسیله عبدالله خان معمار باشی در همان سال از کمعظمی در شیراز ساخت.

میرزا تقی خان در دوران کوتاه صدارت خود در احیاء آثار تاریخی ایران جد بلیغ کرده است و دستور اکید به چراغ عالی خان نایب الحکومه اصفهان برای تعمیر و جلوگیری از خرابی پل خواجو داده.

۱۱ - توسعه صنایع و ایجاد کارخانه ها - امیر کمپر میخواست با ایجاد کارخانه های

مختلف عین همان مصنوعاتی را که از اروپا وارد میکردند در ایران بسازد. برای نیل به این مقصود اقدامات مؤثری کرد از اینقرار: چون استاد عبدالحمید قناد مامور تصفیه شکر مازندران شده و در این راه موفقیت حاصل کرده بود امیر دو کارخانه شکر سازی در ساری و بار فروش احداث نمود و باین ترتیب تا اندازه ای مردم ایران نسبت بشکری که تا آن تاریخ از هندوستان وارد میشد بی نیاز شدند. در سال ۱۲۶۷ امیر در تهران و قم و اصفهان کارخانه های بلور سازی برپا ساخت که انواع و اقسام بلور در آنجا ساخته میشد و در همان سال در تهران و قم کارخانه چینی سازی را ایجاد نمود و کارخانه کاغذ سازی بامراو در بیرون دروازه دولت تاسیس شد که کاغذهای آن معروف بکاغذهای امیری گردید به علاوه در تهران کارخانه های ریسمان ریزی و کارخانه چلو و آبفای بین راه تهران و شمیران و کارخانه حریر بافی در کاشان احداث نمود و چنانکه گفتیم برای توسعه صنعت چند نفر را بسر پرستی حاج میرزا محمد تاجر تبریزی بمسکو و بطرز بورك فرستاد تا صنایع مختلف را بیاموزند. برای سهولت رفت و آمد امیر کبیر با اهتمام حسین علیخان معیرالمملک کارخانه کالسکه سازی را در قورخانه تهران تاسیس کرد.

برای آنکه صنعتگران تشویق شوند و سائل فروش امتعه آنها بوسیله امیر فراهم می آمد چنانکه مخصوصا لباس نظامیان را دستور داد که باشا چو خای پشمین مازندران بدوزند تا این متاع داخلی بفروش برسد و صنعتگران در توسعه صنایع خود سعی نمایند بامساعی معیرالمملک سابق الذکر در اراک مصنوعات مختلف را بتوسط صنعتگران در معرض نمایش میگذاشت و غرفه ها و حجره هائی احداث کرد که این قبیل مصنوعات در دسترس عموم قرار گیرد.

میرزا تقی خان برای آنکه از حیث اسلحه و مهمات نیز محتاج خارج نباشد بتاسیس کارخانه های اسلحه سازی در نقاط مختلف مملکت اقدام کرد از آن جمله است کارخانه اسلحه سازی تهران. قورخانه تهران بتوسط حاج میرزا محمد حسین معروف به جبه دارباشی و جبه خانه اصفهان که در سال ۱۲۶۷ تاسیس شد از کارخانه های مزبور اسلحه مختلف بیرون آمد که تا اندازه ای از واردات این قبیل امتعه جلوگیری نمود. وزراء و رجال دیگر چنانکه گفتیم بعد از میرزا تقی خان امیر کبیر عده ای از

وزراء دنباله اقدامات مفید او را گرفتند و در آوردن وسائل تمدن جدید بایران سعی بایغی نمودند از آنجمله بودند حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم و حاج میرزا یحیی خان مشیرالدوله و میرزا علی خان امین الدوله و بعضی از تجار مثل حاج محمد حسن اصفهانی امین الضرب و رجال دیگری مانند علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه. قبل از شروع به شرح اقدامات وزراء و رجال مزبور باید متذکر شویم که پس از عزل امیر کبیر ناصرالدین شاه مقام صدارت عظمی را به میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری داد. میرزا آقاخان تا سال ۱۲۷۵ در آن شغل باقی بود و در همانسال ناصرالدین شاه ویرا از صدارت برکنار کرد و خود زمام امور را در دست گرفت و وزارتخانه‌هایی چند بتقلید ممالک اروپائی تاسیس نمود مانند وزارت جنگ - وزارت مالیه - وزارت داخله - وزارت خارجه و وزارت علوم و وزارت وظائف - وزارت علوم را علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه و وزارت مالیه را میرزا یوسف مستوفی الممالک آشتیانی داشتند و وزارت جنگ با میرزا محمد خان قاجار ملقب به سپهسالار بود. این ترتیب تا سال ۱۲۸۱ که شاه میرزا محمد خان قاجار سپهسالار و وزیر جنگ را بمقام صدارت انتخاب نمود دوام داشت. میرزا محمد خان تا سال ۱۲۸۴ در آن شغل باقی بود و در سنه مزبور ناصرالدین شاه میرزا یوسف مستوفی الممالک سابق الذکر را بعنوان صدراعظم برگزید و این شخص تا سال ۱۲۸۸ با امور مملکتی رسیدگی میکرد و بعد از وی بمقام صدارت عظمی به حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم رسید. ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۷ بعتبات رفت. در آن تاریخ حاج میرزا حسین خان قزوینی مشیرالدوله مقام سفارت ایران را در دربار عثمانی داشت. در این مسافرت شاه از خدمات سفیر مزبور در دربار عثمانی اظهار رضایت کامل کرد و ویرا در موقع مراجعت بتهران خواست وزارت عدلیه و وظائف و اوقاف را باو مفوض داشت. بعد از آنکه مستوفی الممالک از کارکناره گیری کرد ناصرالدین شاه حاج میرزا حسین خان را با لقب سپهسالار بوزارت جنگ منصوب نمود و ویرا در بیست و نهم شعبان سال ۱۲۸۸ بصدارت برگزید حاج میرزا حسین خان یکی از مردم ترقیخواه ایران بود و در تعقیب اصلاحات امیر کبیر اصلاحاتی در این مملکت کرد و برای اینکه شاه را باوضع تمدن اروپا آشنا سازد با وجود مخالفت شدید روحانیون او را در سال ۱۲۹۰ بفرنگستان

برد. ناصرالدین شاه بعد از مراجعت از فرنگستان بر اثر مخالفت طبقات عامه با صادرات مشیرالدوله ناگزیر این مرد نامی را از شغل خود در رجب ۱۲۹۰ برکنار کرد ولی وزارت خارجه را باز وا گذاشت و در سال ۱۲۹۱ و بر املقب به سپهسالار اعظم نمود. ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۵ برای دفعه نانی بارو با رفت و در این سفر حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله با وی همراه بود و پس از مراجعت از فرنگستان شاه او را در اداره امور مملکتی با مستوفی الممالک سابق الذکر شریک کرد تا آنکه در سال ۱۲۹۷ از وزارت خارجه و جنگ و سپهسالاری برکنار و بحکومت قزوین فرستاده شد و چندی نیز اداره امور آذربایجان با او بود و از آنجا مامور دربار روسیه شد و بعد از مراجعت به تولیت آستانه قدس رضوی روانه گردید. مشیرالدوله تا بیست و یکم ذی الحجه ۱۲۹۸ که تاریخ فوت اوست در مقام اخیر باقی بود.

میرزا یحیی خان مشیرالدوله برادر حاج میرزا حسین خان سپهسالار پسر سوم میرزانیبی خان قزوینی در سال ۱۲۴۷ بدنیآ آمده است و در ابتداء جوانی از طرف پدر خود برای تحصیل و فرا گرفتن زبان فرانسه بفرنگستان رفت و پس از مراجعت مترجم وزارت خارجه شد و بعد از چندی به نیابت سفارت درس بطرز بورك بر قرار گردید و در سال ۱۲۷۵ مترجم مخصوص دربار ناصرالدین شاه شد. میرزا یحیی خان چون در کلیه مشاغلی که بوی وا گذار شده بود لیاقت و کفایت خود را نشان داد در سال ۱۲۷۷ از طرف شاه مامور اسلامیول شد و در سنه ۱۲۸۴ به لقب معتمد المملک ملقب گردید و بین سنوات ۱۲۸۸ و ۱۲۹۴ بترتیب بحکومت عراق - یزد - فارس و مازندران نائل آمد و در سال ۱۲۹۹ ناصرالدین شاه و بر املقب به مشیرالدوله کرد. میرزا یحیی خان مشیرالدوله در سال ۱۳۰۱ مامور دربار روسیه شد و چون بایران بازگشت به مقام وزارت عدلیه و وزارت تجارت رسید و تا سال ۱۳۰۹ که تاریخ وفات اوست بهمان مقام برقرار بود.

یکی دیگر از رجال و وزرائیکه ناصرالدین شاه را وادار به آوردن معضی از لوازم تمدن جدید به ایران کرده میرزا علی خان امین الملک پسر حاج میرزا محمد خان مجدد الملک سینکی است. میرزا علی خان بعدها ملقب به امین الدوله شده است اقدامات مفید این مرد بزرگ را در ایران باید نظیر اصلاحات امیر کبیر و حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله

سپهسالار اعظم شمرد.

وسائل تمدن جدید و وسائل تمدن جدید که بهمت وزراء و رجال و بعضی از مردم خیرخواه دوران ناصرالدین شاه بایران آمده بقرار ذیل است :

پستخانه پیش از روی کار آمدن امیر کبیر امور مربوط به پست ایران مانند قدیم بتوسط قاصد و پامچی اداره میشد اما امیر در سال ۱۲۶۷ در کلیه شهرهای معتبر این مملکت به ایجاد چاپخانه دست زد و شفیع خان را بالقب چاپارچی باشی بریاست چاپارخانه گماشت و حکام و ولات را وادار کرد که در جمیع شهرها و راههای قلمرو حکومتی خود چاپارخانه‌هایی ایجاد نمایند. مطابق اطلاعاتیکه در دست است در سال ۱۲۶۷ در راههای آذربایجان - کیلان - مازندران - گرگان - خراسان - فارس و کرمانشاهان ماهی دوبار چارها رفت و آمد میکردند و بسته‌های پستی و مکاتیب را میبردند. در سال ۱۲۶۸ بمباشرت فیروز میرزا نصرت الدوله پانزده باب چاپارخانه مرتب در خط تهران و فارس و در سال ۱۲۶۹ در خط ساری و اشرف و در سال ۱۲۷۵ در خوی چاپارخانه‌ای ایجاد شد. سلطان مراد میرزا احسام السلطنه در سال ۱۲۸۳ چاپارخانه‌ای در خراسان در جنب رباط زعفرانی تاسیس نمود. بطور کلی در سال ۱۳۰۴ قمری عده چاپارخانه‌ها به هفتاد و در سال ۱۳۱۰ قمری به صد و هفتاد و دو باب رسید.

تاسال ۱۲۹۰ قمری اداره پستخانه ایران جزو وزارت داخله بود و ریاست آن را یکنفر بالقب چاپارچی باشی داشت ولی در آن تاریخ ناصرالدین شاه پستخانه را بانضمام وزارت رسائل به میرزا علیخان امین الدوله که آنوقت امین‌الملک نامیده میشد و بعدها در سال ۱۲۹۹ لقب امین الدوله را گرفت تفویض کرد. میرزا علیخان امین الدوله در سال ۱۲۹۱ هجری اطریشی را برای تنظیم اداره پست بایران آورد که ریاست آن با یکنفر موسوم به ریدر بود. ریدر قبل از آمدن بایران در کارخانه اطریش کار میکرد. مشارالیه در سال ۱۲۹۲ شروع باداره امور پست تهران کرد و در کمتر از یکسال اولین پست سواره منظم ایرانی را هفته‌ای یکبار بین تهران و تبریز و جلفا باشبه‌ای از قزوین بهرشت ایجاد نمود و در سال ۱۲۹۳ بریاست کل پستخانه ایران منصوب شد ولی

در سال ۱۲۹۴ از آن شغل منفصل گردید و بکنفر روسی موسوم به استال (۱) بآن مقام رسید. استال دکتر آندر آس (۲) را بسمت مفتش کل اداره چاپخانه ایران منصوب کرد و در نوزدهم شوال ۱۲۹۵ دولت ایران بعصویت در اتحاد عمومی پست بین‌المللی شناخته شد. اما پس از قلیل مدتی استال و آندر آس از کار برکنار شدند و چندی امور چاپخانه مختل ماند تا آنکه دوباره کار پست سر و صورتی گرفت و هفته‌ای دو بار از راه رشت و باکو و راه تبریز و قایس بین ایران و اروپا و همچنین هفته‌ای یکبار بین ایران و هند از راه بوشهر و بین تهران و مشهد و یزد و کرمان و شیراز و کرمانشاه پست برقرار شد.

چنانکه گفته شد در سال ۱۲۹۰ اداره پست به میرزا علیخان امین‌الدوله واگذار شد. این شخص تا سال ۱۳۰۶ دوبار بوزارت پست رسید و در خلال این مدت مهدیقلی میرزا پسر محمدولی میرزا وزیر پست گردید.

پیش از میرزا علیخان امین‌الدوله اشخاص ذیل بترتیب از سال ۱۲۶۷ به بعد چاپارچی باشی بوده‌اند: شفیع‌خان - اسمعیل‌خان حاج حسین‌خان شهاب‌الملک و میرزا تقی‌خان در سال ۱۲۹۷ اداره پست جزو وزارت رظایف که مشتمل بر اوقاف هم بود شد و میرزا علیخان امین‌الدوله چنانکه گفتیم بوزارت پست رسید در آنوقت دولت سالیانه مبلغی نقد بوزارتخانه مزبور برای تعمیر و تدارک لوازم چاپارخانه‌های راه‌های حکومتی و مبلغی نیز جنس از بابت علیق اسبهای چاپارخانه میبپرداخت. هر یک از راه‌های پستی از طرف وزیر پست در مقابل مبلغی سالیانه به یکنفر مقاطعه داده میشد و تدارک خدمه و حیوانات برای هر منزل برعهده این شخص بود.

اداره پستخانه را تا سال ۱۳۱۲ میرزا علیخان امین‌الدوله داشت و در آن تاریخ چون وی از کار کناره گرفت اداره مزبور را به پسر خود میرزا محسن‌خان معین‌الملک واگذار کرد. معین‌الملک تا سال ۱۳۱۶ که مرتضی قلیخان صنیع‌الدوله بوزارت پست رسید بر سر کار بود. در سال ۱۳۱۸ بیگلر بیگی سردار منصور بمقام وزارت پست رسید. این مطلب را باید تذکر داد که وقتی در رمضان ۱۳۱۴ میرزا علیخان امین‌الدوله

رئیس هیئت وزراء و وزیر داخله شد چند نفر بلژیکی را برای اداره امور گمرک ایران استخدام کرد. از جمله این چند نفر بذکر نام نوز (۱) میپر دازیم که ابتداء رئیس اداره گمرک در تهران و سپس رئیس کل گمرک ایران شد و در سال ۱۳۲۱ بوزارت گمرک و پست رسید و با آنکه در کارهای راجع به پست و گمرک چندان باهانت و درستی رفتار نکرد و از اغتشاشات امور داخلی ایران تاوانست استفاده نمود و جیب خود را پر کرد باز تشکیلات پستخانه جدید مدیون خدمات او و بلژیکیهای دیگر است که ریاست پستخانه و گمرک اغلب نواحی مهم مملکت در دست ایشان بود. اما در سال ۱۳۲۵ کلیه امور گمرکی و پستی از نوز و همراهایش گرفته شد و پست و گمرک با انضمام تلگرافخانه وزارت مستقلاً را تشکیل داد منتها ریاست اداره پستخانه بایک نفر بلژیکی و تفتیش پستخانه ایالات نیز بایک نفر دیگر از بلژیکیها بود. از معروفترین رؤساء پست کامیل مولیتور نام داشت.

تلگرافخانه اولین خط تلگراف در زمان ناصرالدین شاه احداث شد باین معنی که در سال ۱۲۷۴ با امر ناصرالدین شاه خط تلگرافی بین قصر گلستان و باغ لالهزار کشیدند و در سال ۱۲۷۵ بتوسط علیقلی میرزای اعتضاد السلطنه خط دیگری تا سلطانیه برقرار گردید و بعد از آن بتدریج یا بتوسط حکومت هند و کمپانی تلگراف هند اروپا و یا بدست خود دولت ایران خطوط تلگرافی چندی در این مملکت احداث گردید. امتیاز خط تلگراف بین جلفا و تهران از راه تبریز به کمپانی انگلیسی تلگراف هند اروپا مقیم مسکو که در تحت حمایت دولت روسیه بود واگذار شد. طول این خط تقریباً ششصد و نود کیلومتر بود و سه سیم داشت که دوتای آن متعلق بکمپانی مزور و سومی از آن دولت ایران بود.

امتیاز خطوط تلگرافی که بدولت انگلیس داده شد از این قرار بود: خط بین خانقین و تهران و بوشهر - خط بین تهران و بوشهر و خط بین تهران و سرحد بلوچستان امتیاز خط تلگراف بین تهران و خانقین و بوشهر در رمضان سال ۱۲۸۰ به انگلیس داده شد و در اواسط سال ۱۲۸۱ یک سیم از خانقین و همدان و تهران و اصفه‌ای بشیراز کشیده شد

که مربوط به مخابرات داخلی و خارجی بود اما در سال ۱۲۸۲ امتیاز کشیدن سیم دیگری که مختص به مخابرات اروپا باشد بدولت مزبور واگذار گردید و در ضمن قرار شد پس از انقضای مدت امتیاز تمام سیمها و ستونها و عماراتی که بنا شده بدولت ایران تعلق بگیرد.

در سال ۱۲۸۴ اداره زیمنس (۱) آلمانی و برادران امتیاز خطی را گرفت که از لندن و راه آلمان و روسیه مستقیماً به تهران میآمد و منحصر به مخابرات هندوستان بود. این خط در سال ۱۲۸۶ شروع بکار کرد و زیمنس امتیاز خود را بکمپانی انگلیسی مقیم مسکو موسوم به کمپانی تلگراف هند و اروپا واگذار نمود. در سال ۱۲۸۸ قراردادی بین میرزا سعید خان وزیر امور خارجه وقت و رونالد تومسن (۲) کفیل سفارت انگلیس در تهران راجع به کشیدن سیم دیگری بین تهران و بوشهر منعقد گردید. این قرارداد پس از چندی تا سال ۱۳۲۲ تمدید شد.

امتیاز دیگر در سال ۱۳۱۹ راجع به احداث خط تلگرافی مرکب از سه سیم بین تهران و سرحد بلوچستان بسته شد که از کاشان و یزد و کرمان میگذشت. مدت امتیاز تا سال ۱۳۴۳ بود. در سال ۱۳۲۷ یعنی در زمان استبداد صغیر قرار داد جدیدی بین دولتین ایران و انگلیس به نمایندگی میرزا جوادخان سعدالدوله و بارکله (۳) منعقد شد که مدت امتیاز خطوط تلگرافی را که در دست حکومت هند بود تا سال ۱۳۶۳ تمدید کرد. کلیه خطوط مزبور در سال ۱۹۱۹ میلادی از طرف دولت انگلیس بدولت ایران واگذار شد.

راه آهن امین السلطان در سال ۱۳۰۶ ناصرالدین شاه را بفرنگ برد در این سفر که سفر سوم ناصرالدین شاه است پادشاه ایران در ضمن اقامت خود در لندن یک سلسله امتیازات به بارون ژولیوس دورویتر (۴) داد که از آن جمله امتیاز کشیدن راه آهن در بعضی از قسمتهای ایران بوده است. اما این امتیاز و امتیازات دیگر به علی چندافو گردید و تا سال ۱۳۰۰ هجری قمری راه آهن در این کشور کشیده نشده بود از آن تاریخ به بعد دولت ایران برای کشیدن راه آهن در بعضی از نقاط کشور امتیازاتی

بخارجیه‌آداد و حاج محمدحسن اصفهانی امین دارالضرب راه آهنی برای توسعه اقتصادیات مملکت کشید. ما در اینجا شرح امتیازات مزبور و راه آهنهای قدیمی ایران می‌پردازیم.

۱- در سال ۱۳۰۰ هجری قمری دولت ایران امتیاز استخراج ذغال سنگ پشندو کشیدن خط آهنی از تهران بآن ناحیه را به بواتال (۱) فرانسوی که در آن تاریخ در مؤسسه چراغ گاز تهران کار می‌کرد داد و پس از چندی قرار گذاشت راه آهن پشندو برشت و تهران و خلیج فارس را نیز بکشد. بواتال برای نمونه راه آهن تهران حضرت عبدالعظیم را بطول ۸۷۰۰ متر کشید. چون صاحب امتیاز مزبور نتوانست از عهده انجام مقررات امتیاز نامه برآید و اتفاقاً در سال ۱۳۲۳ بر اثر مرض و با مراد دولت امتیاز مزبور و خط آهن تهران حضرت عبدالعظیم را بشرکت بلژیکی واکن برقی واگذار کرد.

۲- حاج محمدحسن امین دارالضرب در سال ۱۳۰۸ قمری برای استخراج معادن حوالی شهر آمل و سرعت حمل و نقل آن از این ناحیه به بندر محمودآباد خط آهنی بطول شانزده کیلومتر کشید.

۳- دولت ایران در سال ۱۳۳۱ امتیاز کشیدن خط آهن تبریز جلفا و خط فرعی دیگری را از صوفیان به بندر شرفخانه به بانک استقراضی روس داد و بانک مزبور تا سال ۱۳۳۴ آن خطوط را کشید. این راه آهن پس از بروز انقلاب ۱۹۱۷ روسیه بموجب قرارداد اقتصادی بدولت ایران واگذار شد.

۴- در ایام جنگ بین الملل اول چون دولت روسیه در شمال غربی آذربایجان با عثمانیها زد و خورد داشت و تا بایزید پیشرفت کرده و آن ناحیه را اشغال نموده بود برای آوردن مهمات جنگی و سرعت عمل در انتقال نظامیان از قفقازیه بمیدان جنگ به فکر کشیدن راه آهنی از قفقازیه به بایزید افتاد این راه آهن از ایستگاه شاه تختی در قفقاز شروع و پس از گذشتن از رود ارس و شهر ماکوبه بایزید مربوط میشد. طول آن در خاک ایران صد و بیست فرسنگ بود.

۵- خط آهن دیگر خط میر جاوه نقطه سرحدی در بلوچستان بزاهدان است این خط را انگلیسها در دوران جنگ بین الملل اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) از لحاظ سوق

الجیشی ساخته بودند واصلًا دنباله خط آهن کنه به پیر جاود است که به خواستند
بمشهد امتداد دهند طول آن در ایران ۱۶۷ کیلومتر بود .

۶- دیگر خط آهن سیاه وزان در خاک طالش است که بتوسط روسها برای
حمل ذغال هیزم برنج و سنک به بندر انزلی ایجاد شده بود .

۷- دیگر از راه آهنهای قدیمی ایران که برای حمل مالالتجاره کشیده شده
بود خط رشت پیله بازار است که در سال ۱۳۲۵ قمری بتوسط روسها احداث شد .
طول آن ۹ کیلومتر است .

در موقعیکه امتیاز خط آهن جلفا و تبریز به بانک استقراضی روس داده شد
امتیاز خط آهن محمره تا خرم آباد نیز در ماه سفر ۱۳۳۱ بشرکت خط آهن ایران
متعلق به انگلیسها واگذار گردید و قرار شد این خط بتوسط اعضاء آن شرکت لینچ
سلیگمن (۱) و فرینوی (۲) شروع به نقشه برداری و عملیات کنند اما راه آهن مزبور
در آن تاریخ کشیده نشد

ضرابخانه شاردن (۳) فرانسوی که دو بار در زمان صفویه (شاه عباس دوم
و شاه سلیمان) در سنوات ۱۰۷۶ و ۱۰۸۸ بایران آمده سفرنامه هائی نوشته که بر
طبق آنها معلوم میشود در آن دوره دستگاہ چرخى برای سکه زدن در ایران معمول
نبوده است و سکه را بوسیله چکش میزدند . مسافر مزبور باز مینویسد که پادشاه
ایران حقى که از بابت ضرب سکه میگیرد نسبت بمملک دیگر زیادتر است . تا پیش
از دوره ناصرالدین شاه هر يك از شهرهای عمده ایران ضرابخانه جداگانه داشت و
دولت یکنفر را بعنوان معیر در هر يك از آنها میگماشت بهمین مناسبت در نقش
وعیار سکه های نواحی مختلف اختلافاتی پدید میآمد . ناصرالدین شاه در اوائل سلطنت
خود آلات و ادوات ضرابخانه را از اروپا آورد و آقامحمد ابراهیم خان آبدارباشی
امین الساطان را ریاست ضرابخانه انتخاب نمود . بعد از وی یعنی از سال ۱۳۰۰
ریاست ضرابخانه به حاج محمدحسن اصفهانی امین دارالضرب داده شد . در آن تاریخ
اداره ضرابخانه جزو وزارت مالیه و دارای هفتاد نفر عضو بوده است . در سال ۱۳۰۷

بانک شاهنشاهی ایران تاسیس شد و اداره ضرابخانه در دست این بانک قرار گرفت در سال ۱۳۱۳ پس از جلوس مظفرالدین شاه ضرابخانه جزو وزارت داخله شد و وزارت داخله بانضمام وزارت خزانة در سنوات ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ بتوسط مرتضی قلیخان صنیع الدوله اداره میشد میرزا علیخان امین الدوله در سال ۱۳۱۵ عده ای از بلژیکیها را برای تنظیم امور مالی ایران استخدام کرد که از آنجمله آنگلس بود. آنگلس از طرف امین الدوله مأمور اداره ضرابخانه شد و در این راه خدمات شایانی کرد و ضرابخانه ایران در واقع بر اثر همت وی تاسیس شد و بصورت ضرابخانه های جدید دنیا درآمد. پس از تغییر حکومت ایران و اعطاء مشروطیت در سال ۱۳۲۴ ضرابخانه ضمیمه اداره خزانة گردید و در مدت استبداد صغیر که از ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ تا ۲۴ جمادی الاخری ۱۳۲۷ طول کشید محمدعلیشاه ریاست ضرابخانه را به حاج محمد اسمعیل آقای آذربایجانی معروف به «غازه دادشوستر» در کتاب اختناق ایران مینویسد که ضرابخانه این کشور میتواند ماهی هفتصد هزار تومان پول سکه بزند تا سال ۱۳۲۸ اشخاص متفرقه نقره را وارد میکردند و بر طبق قرارداد مخصوصی بدولت برای ضرب سکه میدادند. اگر نقره بموقع نمیرسید ضرابخانه از کار میافتاد در سال مزبور وارد کردن نقره منحصر بخود دولت و از آن پس ضرابخانه منظمًا مشغول کار شد.

چاپخانه چاپخانه (۱) و مطبعه و بسمه خانه که بهر سه اسم در ایران نامیده میشود در زمان قاجاریه به این مملکت آمده است. واضح است مطبعه از طباعت و طبع مشتق شده اما منشأ لفظ چاپ که در هندستان گاهی چاهاب هم نوشته میشود کاملاً روشن نیست بعضیها آنرا مأخوذ از کلمه چاومغولی یا چینی که اسم پول کاغذی متداول در عهد گیخانو یکی از ایلخانان مغول ایران بوده میدانند و برخی دیگر معتقدند که لفظ مزبور اصلاً هندی بوده. لفظ بسمه یا باصمه با آنکه در ظاهر ترکی بنظر میآید و در ترکی عثمانی اسم مصدر از فعل بسمق است و بمعنی عمل طبع در همان زمان استعمال می شود منشأ اصلی آن درست واضح نیست چه این لفظ از عهد مغول معمول بوده و در آن عهد تصویر پادشاهان مغول را بسمه میگفتند.

۱- این موضوع عیناً با کمی تصرف از شماره ۵ دوره جدید کاوه نقل شده است.

حال که بذکر منشأ لغوی چاپخانه و مطبعه و بسمه خانه پرداختیم شروع بشرح تاریخچه مطبعه در ایران میکنیم: ظاهراً اولین مطبعه‌ای که بایران آمده معروف به بسمه خانه شده بود چنانکه آنژ دوسن ژوزف (۱) از مبلغین فرقه نصاری شهر تولوز فرانسه در کتاب لغت فرنگی و فارسی خود که در حدود سنه ۱۰۸۱ تالیف کرده است و آنرا در سال ۱۰۹۶ هجری بطبع رسانیده تحت عنوان کلمه بسمه خانه اینطور مینویسد:

مبلغین نصارا بسمه خانه عربی و فارسی در عبادتخانه خودشان در اصفهان دایر کرده بودند و هنوز هم دایر است و آرامنه نیز در جلفا بسمه خانه ارمنی دارند

بعد از این جمله میگویند که هیچکدام از مطبعه‌ها پیشرفت نکرده‌اند و این مسئله بعلت خشکی مفرط هواست (۲). از عبارت فرانسه مبلغ مزبور در کتاب خود که با لفظ «اجداد ما» گفته استنباط میشود که مطبعه مزبور در اوائل قرن یازدهم هجری وارد ایران شده است و با اطلاعی که در دست داریم میدانیم مبلغین مسیحی کانولیک در ابتداء همان قرن باصفهان آمده‌اند.

معروفترین مبلغین مزبور سیمون مرالس (۳) بود که بایران آمد باین معنی که فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا بنایب السلطنه خود در شهر گوئما پایتخت مستعمراتی آندوات دستور داد که برای اشاعه مذهب مسیح در ایران یک نفر را باین سر زمین بفرستد. ماسکار ناس (۴) بنایب السلطنه هم سیمون مرالس را مأمور انجام این مهم کرد. این شخص علاوه بر مقام شامخی که در عالم روحانیت داشت بزبان فارسی نیز آشنا بود.

بعد از فیلیپ درم پسرش فیلیپ سوم که مثل پدر خود میخواست روابطی با ایران داشته باشد بحکومت هندوستان نوشت که کسی را بایران گسیل دارد این بار بنایب السلطنه هندوستان هیئتی را از کشیشان طریقه اگوستین (۵) بخدمت شاه عباس کبیر فرستاد که اعضاء مهم آن کریستف و آنتوان دو گوئوما (۶) نام داشتند (۱۰۱۱ هجری)،

1-Ange de Saint Joseph

۲ - لانگلس Langlès در حواشی خود بکتاب شاردن Chardin سیاح مشهور فرانسوی همین فقره را از کتاب آنژ دوسن ژوزف نقل کرده است ولی عقیده راجع بتاثیر خشکی هوا را رد مینماید.

- 3— Simon Moralès 4—Mascarenhas
5— Augustins 6—Antoine de Gouvea

بنا بر این آمدن مطبعه را در ایران باید بین سنوات ۱۰۲۰ و ۱۰۳۰ هجری دانست که بتوسط همین مبلغین دائر شد و بعضی اوراق بزبان عربی و فارسی در ادعیه و اذکار مسیحی بچاپ رساندند

در جلفای اصفهان هم ارمنه از قدیم الایام يك چاپخانه ارمنی دائر کرده بودند این مطبعه بنا بقول هوتوم شیندلر (۱) « تقریباً سی سال بعد از آنکه شاه عباس اول در سال ۱۳۱۳ چند هزار خانواده ارمنی را از جلفای قفقاز به اصفهان کوچانید و در نزد يك آن شهر ساکن ساخت کتب متعدد با حروف ارمنی چاپ کردند که تاریخ چاپ آنها سال ۱۰۵۰ و در کتابخانه‌ها موجود است و بعضی از حروف قدیم ارمنی مطبعه مزبور هنوز در کلیسای جلفا باقیست »

در دائره المعارف بریتانیا در تحت عنوان ادبیات ارمنی . ذکر یک ورق بزرگ بزبان ارمنی چاپ جلفای اصفهان که در سال ۱۰۵۰ بطبع رسیده آمده است . ورقه مزبور مربوط بمسائل دینی است . از آنچه گفته شد معلوم میگردد که مطبعه عربی در ایران قبل از عثمانی وارد و در عثمانی مطبعه عربی در سال ۱۱۴۱ دائر شد و ترجمه ترکی صحاح جوهری با آن حروف در آنجا بچاپ رسید .

خود ایرانیها اساساً در صدد آوردن مطبعه بایران نبودند و سالیان دراز از این مسئله بی‌خبر می‌زیستند شاردن سابق‌الذکر در کتاب خود می‌گوید :

« ایرانیان تا بحال بکرات در صدد آوردن مطبعه و بکار انداختن آن برآمده‌اند و بمنافع آن نیز اطلاع دارند اما تا بحال بانجام این امر موفق نشده‌اند . برادر وزیر اعظم که در نظر شاه بسیار مقرب است در سال ۱۰۸۷ از من درخواست کرد که عده‌ای کارگر از فرنگستان برای آموختن فن چاپ بایران بیاورند و از شاه هم در این خصوص اجازه داشت اما وقتیکه پای پول بمیان آمد همه چیز بر هم خورد »

کار آوردن مطبعه بایران متجاوز از صدسال بتعویق افتاد تا آنکه در دوران سلطنت فتح‌علیشاه اولین مطبعه در تبریز دائر گردید . در باب این مطبعه شیندلر چنین مینویسد : « در سال ۱۲۳۳ شخصی موسوم به آقا زین‌العابدین تبریزی اسباب و آلات مختصر باصمه‌خانه را به تبریز آورد و در تحت حمایت عباس میرزا نایب‌السلطنه که در آن زمان حکمران آذربایجان بود مطبعه کوچکی سرب‌ی را برقرار ساخت و بعد از مدتی کتابی را موسوم به فتح‌نامه بچاپ رساند این کتاب نخستین کتابی بود که در ایران با حروف عربی چاپ شد و مؤلف آن میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام است و شرح جنگ‌هاییکه در سال ۱۲۲۷ میان دولتین روس و ایران بوقوع پیوسته بیان کرده . فتح‌علیشاه میرزا زین‌العابدین سابق‌الذکر را در سال ۱۲۴۰ بدارالخلافت احضار کرد و این شخص قرآن مجید را بخط میرزای تبریزی که معروف به قرآن معتمدی شده بامر منوچهرخان معتمد الدوله بچاپ رساند . برای آموختن فن چاپ عده‌ای پیش میرزا زین‌العابدین به شاگردی مشغول شدند که یکی از آنها میر باقر بود . میر باقر بعدها نسخه‌نسخ‌التواریخ تألیف لسان‌الملک سپهر را چاپ کرد در کتاب‌خانه سلطانی که بتوسط ملا محمد باقر تبریزی در اواخر ماه رجب ۱۲۴۱ در تبریز بچاپ رسیده در ضمن شرح مطبعه اشاره‌ای به میرزا زین‌العابدین تبریزی سابق‌الذکر وجود دارد که می‌گوید میرزای مزبور به اعتماد منوچهرخان معتمد الدوله مجلداتی را از کتب حدیث بچاپ رسانده . بعد از فوت عباس میرزا در سال ۱۲۴۹ بساط مطبعه تبریز برچیده شد .

در سال ۱۲۴۶ بکنفر روسی مطبعه کوچکی سنگی را به تبریز آورد این مطبعه از سال

۱۲۵۶ شروع بکار کرد در سال ۱۲۵۹ آقا عبدالعلی نامی مطبعه سنگی را به تهران وارد نمود و در همان سال کتاب المعجم فی آثار دملوک العجم را که تالیف میرزا عبدالله ابن فضل الله است بچاپ رساند. تاریخ بطر کبیر در مطبعه مزبور بزبور طبع آراسته شد آقا عبدالعلی پس از چندی مطبعه سابق الذکر را به آقامیر باقر واگذار کرد. مطبعه سنگی در شیراز در سال ۱۲۵۴ و در اصفهان در سال ۱۲۶۰ ایجاد گردید قرآن مجید در مطبعه شیراز و رساله حسنیه در مطبعه اصفهان چاپ شد.

آنچه تا بحال ذکر کردیم مربوط به تحقیقات شیندلر بود اما در کتاب مطبعه در خارج از فرنگستان (۱) که بزبان فرانسه نوشته شده مؤلف آن باامضای مجهول یک کتاب شناس (۲) تاریخ مطبعه ها را در کلیه شهرهای دنیا غیر از فرنگستان بترتیب حروف تهجی اسامی شهرها و ممالک ذکر میکند. در کتاب مزبور در خصوص اولین مطبعه در ایران در تحت عنوان تبریز میگوید: «دکتر کوتون (۳) میگوید که در سال ۱۲۳۹ هجری جوانی موسوم بمیرزا جعفر اولین مطبعه سربی را در تبریز دایر کرد و اولین کتابی که در آنجا چاپ رسید گلستان بود. گلستان مزبور بنا بقول ساسی (۴) و کاترمر (۵) در سال ۱۲۴۱ و بقول کوتون در سال ۱۲۴۲ بچاپ رسیده است. غیر از کتاب گلستان کتاب دیگری معروف به تاریخ قاجاریه تالیف عبدالرزاق بن نجف قلی نیز در آن مطبعه چاپ شده. در کتاب مطبعه در خارج از فرنگستان در تحت عنوان تهران باز شرحی به نقل از روزنامه آسیائی مبلغین انگلیسی درباره کتب مطبوعه در تهران درج شده است و میگوید آن کتب در چاپخانه معتمدالدوله به اهتمام ملاعباسعلی بچاپ رسیده است و اسامی بعضی از آن کتابها را نیز ذکر مینماید.

در رساله ای که مرحوم آقامیرزا محمدعلیخان تربیت در خصوص مطابع ایرانی تالیف کرده بود و موسوم به ورقی از دفتر تاریخ مطبوعات ایرانی و فارسی (۶) است چنین آمده: «در حدود سال ۱۲۴۰ عباس میرزا نایب السلطنه میرزا جعفرخان تبریزی را به

1-Imprimerie Horsde 1²Europe 2-Un Bibliographe 3-Cotton

4-Silvesterde Sacy 5-Quatremere

۶- این کتاب متأسفانه بفارسی چاپ نشده است و ترجمه انگلیسی آنرا مرحوم ادواردبران مستشرق شهیر انگلیسی منتشر کرده است.

مسکوفرستاد که يك دستگاہ چاپخانه سنگی بیاورد و آن صنعت را نیز بپناه آورد وی دستگاهی به تبریز آورد و دائر کرد - مشهدی اسدآقا باصمه چی معروف به تبریزی که خودش در وقت تالیف کتاب یعنی در سال ۱۳۳۰ قمری زنده و مطبعه قدیمش هنوز در تبریز دائر است روایت میکنند که میرزا صالح شیرازی میرزا اسدالله نامی را از اهل فارس با مخارج زیاد برای یاد گرفتن صنعت چاپ به سن بطرز بوزك فرستاد و مشارالیه پس از مراجعت به تبریز بدستیاری آقارضا (پدر مشهدی اسد آقاروی این روایت) مطبعه سنگی تاسیس نمود و اولین نسخه ای که در آن مطبعه چاپ شد قرآن مجید بود بخط میرزا احسین خوش نویس معروف. بعد از پنج سال شاه ابن مطبعه را با اجزاء و عمال آن به تهران خواست و اولین کتابی که در تهران در مطبعه مزبور بچاپ رسید دیوان میرزا عبدالوهاب معتمه الدوله متخلص به نشاط بود^۱ در کتاب موسوم به کتاب شناسی شرقی تالیف زینکر (۱) و در کتاب کتاب شناسی ایران تالیف شوآب (۲) و کتاب فهرست کتب عربیه و فارسیه و ترکیه منطبعه در اسلامبول تالیف برنهارد درن (۳) چاپ بطرز بوزك اسامی کتب زیادی از قدیمترین مطبوعات ایران ثبت است که چند فقره از آنها را ذیلا ذکر میکنیم رساله حسنیه چاپ اصفهان (بقول زینکر در ۱۲۴۴ و بقول درن در ۱۲۴۸) - قرآن چاپ شیراز ۱۲۴۵ - محرق القلوب نراقی چاپ تهران (به گفته شواب در ۱۲۳۹ و بگفته درن در ۱۲۴۸) - جلاء العیون و عین الحیة و حیاة القلوب و مفتاح النبوة ۱۲۴۰ - نخبه کلباسی چاپ اصفهان ۱۲۴۶ - گنجینه معتمه الدوله میرزا عبدالوهاب متخلص به نشاط چاپ تهران ۱۲۶۶ - علاوه بر کتبی که ذکر شد اسامی کتب متعدد دیگری در مزبور موجود است که از سال ۱۲۳۹ به بعد در تبریز و تهران و اصفهان بچاپ رسیده است. برای مزید اطلاع این نکته را یادآور میشویم که در کتاب مشاهیر الشرق تالیف جرجی زیدان در ضمن شرح حال ناصرالدین شاه ظاهرا به نقل از قول میرزا مهدی در جریده حکمت فارسی منطبعه مصر آمده که اولین مطبعه را عباس میرزا نایب السلطنه در تبریز تاسیس کرد و میرزا صالح شیرازی و میرزا محمد جعفر تبریزی مشهور به امیر را به بطرز بوزك فرستاد و چهارده دستگاہ اسباب یعنی چرخ مطبعه سنگی طرز قدیمه را

آوردند و در تبریز مطبعه‌ای تاسیس کردند.

از قریبۀ انتشار روزنامه فارسی در تهران در حدود سال ۱۲۵۰ که میرزا صالح شیرازی دایر کرده بود و با چاپ سنگی منتشر میشد استنباط می‌گردد که تاسیس چاپ سنگی در تهران قدیمتر از آن است که هوتوم شیندلریادداشت کرده است. پس از تبریز و تهران و ظاهراً بعد از شیراز و اصفهان اولین شهری که مطبعه در آن پیدا شده شهر اورمیه بود که در سال ۱۲۵۶ دعوات مسیحی امریکائی در آنجا مطبعه سربی عربی و سربانی و انگلیسی دایر نمودند. دکتر پرکین (۱) یکی از مبلغین آمریکائی در اورمیه در کتاب هشت سال در ایران راجع به اولین مطبعه مبلغین مسیحی چنین مینویسد:

در هفتم نوامبر ۱۸۴۰ میلادی (دوازده رمضان ۱۲۵۶) بریث (۲) مطبعه‌چی از آمریکا برگشت و مطبعه مارا که کوچک و قابل نقل بود آورد و در بیست و یک نوامبر (۲۶ رمضان) آنرا بکار انداخت و بعضی قطعات دعا بزبان سربانی در مطبعه مزبور چاپ شده. مسلمانان شهر نیز از آمدن مطبعه ماراضی بودند و منجم باشی اورمیه با دایره مار جوع کرد و تقاضای چاپ تقویم خود را برای سال ۱۲۵۷ نمود. درسی نوامبر (۵ شوال) شروع به طبع زبور در زبان سربانی قدیم کردیم.

بعد از اورمیه به ترتیب در شهرهای ذیل مطبعه وارد شد: بوشهر مشهد انزلی

رشت اردبیل همدان خوی بزد قزوین کرمانشاه کرمان گروس و کاشان.

با آنکه ابتداء در ایران چاپخانه سربی را آوردند مدت‌ها این چاپخانه منسوخ شد و چاپ سنگی دایر گردید تا آنکه در سال ۱۲۹۰ ناصرالدین شاه در موقع مسافرت بفرنگستان چندی در اسلامبول توقف کرد و در آنجا یک دستگاه چاپخانه با حرف عربی و فرنگی بقیمت پانصد لیره عثمانی خرید و آن دستگاه را بایک نفر حرف و چین به تهران فرستاد و چندی در این شهر باقی ماند تا آنکه در سال ۱۲۹۲ بارون لوئی دو نورمان (۳) اجازه نشر روزنامه فرانسۀ پاتری (۴) (وطن) را تحصیل کرد و مطبعه را بکار انداخت. در تبریز قاسم خان پسر علیخان والی ملقب به سردار همایون در سال ۱۳۱۷ یک دستگاه

1 - Perkin 2 - Breath 3 - Baron Louis de Norman

4 - Louis de Norman 2 - Patrie

مطبعة سربى تهیه نمود و در همان اوقات يك مطبعة كوچك هم در اداره محمدعلی میرزا و ليعهد ایجاد گردید که شرح نهج البلاغه تالیف ابن ابی الحدید را در آنجا بچاپ رساندند . این مسئله را نیز باید متذکر شد که طبع با حروف عربی و نشر کتب عربی و فارسی در اروپا مدت‌های زیاد پیش از رواج طبع در مشرق زمین بوده و قرآن و کتب تفسیر و کتب علمی مسلمانان در فرانک بطمع رسیدند است و غالباً در مشرق زمین از روی همین چاپها دوباره چاپ کرده اند . قرآن مجید در حدود سه قرن و نیم قبل در اروپا بطبع رسیده است در صورتیکه در ممالک اسلامی طبع آن دوست سال بعد از آن انجام گرفته .

روزنامه لفظ روزنامه و روزنامه چه از قرون اولیه اسلام در ایران معمول بوده است و در کتب قدیم بنظر میاید در بیتمة الدهر تعالی کلمة روزنامه چه مکرر آمده است در بعضی از کتب ذکری از روزنامه صاحب بن عباد نیز دیده میشود و معلوم میگردد که روزنامه در آن اوقات بمعنای شرح گزارش و یادداشت‌های روزانه بوده است . در قرون اخیر روزنامه معنای گزارش وقایع نگاران دولتی که از ولایات و ایالات اخبار جاری را به دولت مینوشتند داشته چنانکه در روزنامه وقایع اتفاقیه که در عهد صدارت میرزا تقیخان امیر کبیر و بعد از آن منتشر میشده اخبار نواحی مختلف ایران را در آن مینوشتند و مقصود از وقایع اخبار خبرنگاران رسمی بوده نه روزنامه چاپی . اولین روزنامه چاپی که بطرز و روش جرائد فرنگستان چاپ شده بطور تحقیق معلوم نیست کدام روزنامه است اما در کتاب « مطبعه خارج از اروپا » ذکر شده که روزنامه ایرانی اخبار ایران در سنه ۱۲۱۳ قمری (مطابق ۱۷۹۸ میلادی) در هندوستان منتشر شده است در صورت صحت این گفته احتمال کلی دارد که این روزنامه بزبان فارسی بوده و ممکن است اسم آن اخبار فارسی باشد چون اخبار را در هندوستان روزنامه میگویند .

اولین روزنامه چاپی که بزبان فارسی در خود ایران بطبع رسیده و انتشار یافته است روزنامه ایست که در سال ۱۲۵۳ در تهران بتوسط میرزا محمد صالح مهندس (۱)

۱- میرزا محمد صالح پسر حاج باقرخان کازرونی شیرازی است و از جمله پنج *

شیرازی با چاپ سنگی منتشر میشد. میرزا صالح مدتی در انگلیس تحصیل میکرد و پس از بازگشت بایران در شهر تبریز با آلات و ادواتیکه همراه آورده بود در صدد تاسیس چاپخانه و روزنامه برآید و چنانکه گفتیم در سال چهارم سلطنت محمد شاه قاجار روزنامه ای دولتی منتشر ساخت. این روزنامه ماهی یکبار انتشار می یافت و تاریخ انتشار شماره اول آن دو شنبه ۶ ۲۵ محرم سال ۱۲۵۳ است. روزنامه مزبور با قطع بزرگ یکورقی و چاپ سنگی و کاغذ خان بالغ چاپ میرسید و نام مخصوصی نداشت و در آخر صفحه اول آن نشان دولتی ایران موجود بود و همین روزنامه است که با تغییراتی چند بصورت روزنامه وقایع اتفاقیه درآمده است. میرزا صالح سه ماه قبل از انتشار شماره اول روزنامه خود در اواخر ماه رمضان ۱۲۵۲ طلیمه ای منتشر ساخت که انتشار روزنامه را بوسیله آن بمردم اطلاع داد که در واقع صورت شماره خاصی را داشته است. روزنامه میرزا محمد صالح تا سال ۱۲۵۵ انتشار یافت.

دومین روزنامه ای که در ایران منتشر شد روزنامه ایست بزبان سریانی و موسوم به زاراتات بار در شهر اورمیه. روزنامه مزبور از طرف میاغین ادیرکائی برای اهالی آذربایجان انتشار می یافت و شماره اول آن در شانزدهم صفر ۱۲۶۷ از چاپ خارج شد. این روزنامه ماهیانه بود.

سومین روزنامه ایرانی که دومین روزنامه بزبان فارسی است روزنامه وقایع

تفری بود. که در سال ۱۲۳۰ از طرف میرزا بزرگ قائم مقام اول و بدستور عباس میرزا نائب السلطنه برای آموختن فنون مختلف بلندن رفتند. میرزا صالح سابق الذکر در سال ۱۲۳۵ بایران مراجعت کرد. این شخص در مدت اقامت خود در انگلیس زبانهای فرانسه و انگلیسی و لاتینی را آنوقت و در علوم طبیعی و تاریخ کار کرد و تحقیقاتی در بعضی از فنون مانند ساختن مرکب چاپ و تهیه حروف و شیشه سازی نمود. میرزا صالح شیرازی مامور تعلیم شاگردان شد و در دستگاه قائم مقام اول و عباس میرزا بترجمه مکاتیب سیاسی میپرداخت و در سال ۱۲۳۷ از طرف نائب السلطنه بعنوان سفارت بلندن رفت و در سال ۱۲۴۵ بانفاق خسرو میرزا و همراهان دیگر مامور بطرز بورك شد از تاریخ وفات او اطلاع صحیحی در دست نیست.

اتفاقیه است. شماره اول این روزنامه در جمعه پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۷ انتشار یافت و قایع اتفاقیه بدستور و تشویق میرزا تقیخان امیر کبیر و مدیریت حاج میرزا جبار تذکره‌چی که قبل از آن تاریخ قونسول ایران در بغداد بود منتشر میشد و چنانکه در مبحث مخصوص به اقدامات امیر کبیر اشاره کردیم ادوارد برجس که از طرف عباس میرزا نایب السلطنه برای امور مربوط به چاپخانه و مطبوعات از انگلیس استخدام شده بود جهت مترجمی و مباشرت روزنامه مزبور انتخاب گردید. این شخص مقالات عامی و اطلاعات مفیدی را که ترجمه میکرد در وقایع اتفاقیه بچاپ میرساند. وقایع اتفاقیه روزنامه‌ای بود هفتگی که با چاپ سنگی بطبع میرسید و تا شماره ۶۵۶ مرتباً هر هفته بیرون می‌آمد ولی از آن بعد نامرتب شد.

پس از روزنامه وقایع اتفاقیه روزنامه‌های متعددی در تهران و تبریز تأسیس و منتشر شده است و تا آنجا که اطلاع داریم قدیمترین روزنامه‌ای که بعد از وقایع اتفاقیه انتشار یافته جریده ایست در تبریز. چه در شماره اول سال ۱۲۷۵ وقایع اتفاقیه خبری راجع به آن، جریده دیده میشود و از آن خبر معلوم میگردد که در حدود ماههای رجب و شعبان سال مزبور این روزنامه در تبریز انتشار می‌یافته و گویا اسم آن آذربایجان بوده است.

روزنامه مفرح القلوب نیز یکی از روزنامه‌هایی است که بزبان فارسی در بندر کراچی هندوستان منتشر میشده و گویا از سال ۱۲۷۲ انتشار آن شروع شده است در اوایل ناشر آن محمد شفیع نامی بوده است و در سال ۱۲۸۷ مقالات و نوشته‌های آن بامضای میرزا مخاص علی صاحب میرسیده و در سال ۱۳۰۲ ناشرین آن میرزا محمدجعفر و میرزا محمدصادق کنسول ایران در کراچی بوده‌اند.

از روزنامه‌های دیگر فارسی که در خود ایران انتشار یافته باید بذكر روزنامه ملتی و روزنامه علمیه دولت علیه ایران و روزنامه دولت علیه ایران و روزنامه مریخ پردازیم:

در سال ۱۲۸۳ ناصرالدین شاه اداره امور مملکتی را چنانکه میدانیم. بین وزارتخانه‌های چند تقسیم کرد و اداره وزارت علوم و صنایع و تجارت و مدرسه

دارالفنون و دارالطبایع را به علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه واگذار نمود و در همان سال روزنامه ای با اسم روزنامه ملت سنیه ایران منتشر شد که پس از انتشار دوشماره معروف به روزنامه ملتی گردید وجه تسمیه روزنامه مزبور به ملتی آنست که روزنامه های دیگر مانند وقایع اتفاقیه روزنامه رسمی بود و هر کس حق درج مقاله را در آنها نداشت ناصرالدین شاه برای آنکه فکر آزادی مطبوعات و انتشار مقالات بین مردم توسعه یابد روزنامه ملتی را اجازه تأسیس داد. چنانکه در نمره اول روزنامه این عبارت دیده میشود: «از جانب سنی الجوانب همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه امر و مقرر است که روزنامه ملتی بر سیل آزادی نگارش یابد تا خاص و عام از فوائد آن بهره یابند» گویا نویسنده مقالات که بدون امضاء چاپ میشده حکیم سامانی (۱) بوده است.

روزنامه ملتی ماهی یکبار با چاپ سنگی در مطبعه دارالانطباع دولتی واقع در مدرسه دارالفنون چاپ میرسید و مندرجات آن بیشتر مربوط بشرح حال شعرای قدیم و جدید ایران و شرح وقایع دربار بود.

روزنامه علمیه دولت علیه ایران نیز در زمان وزارت علوم اعتضاد السلطنه منتشر شد و شماره اول آن در غره شعبان ۱۲۸۰ قمری در تهران انتشار یافت این روزنامه مدت هفت سال یعنی تا شوال ۱۲۸۸ منتشر شد و پنجاه و سه شماره از آن توزیع گردید و در تاریخ اخیر روزنامه مزبور تعطیل و بجای آن روزنامه ایران سلطانی نشر شد و امور مربوط بچراغ احمد بمحمدحسن خان واگذار گردید. روزنامه علمیه ماهی یکبار منتشر میشد و پس از انتشار شماره هفده یکسال تعطیل گردید و دوباره طبع و نشر شد تاریخ انتشار ثانی آن ماه محرم ۱۲۸۳ بود چون در این روزنامه از علوم و صنایع جدید بحث میشد آنرا روزنامه علمیه نامیدند.

دیگر از روزنامه های دوران ناصرالدین شاه روزنامه علمی است که نمره اول

۱- محمدحسن بن قآنی شیرازی معروف به حکیم سامانی جوانی خوش قریحه و با فضل بوده و در سال ۱۲۸۳ از طرف ناصرالدین شاه باخذ نشان و حمایل و منصب سرهنگی نائل آمد و در سال ۱۲۸۵ فوت شد.

آن در روز دوشنبه ۲۲ ذی‌الحجه ۱۲۹۳ قمری در مطبعه سنکی در چهار صفحه‌خشتی بچاپ میرسید و تاسیس آن در زمان وزارت علوم محمدحسن خان صنیع‌الدوله اتفاق افتاد و در این روزنامه بر خلاف روزنامه هائی که در زمان اعتضاد السلطنه منتشر میشد اسمی از موسس و ناشر آنها دیده نمیشد در آخر آن کلمه محمدحسن که مقصود محمدحسن خان صنیع‌الدوله زیر انطباعات باشد چاپ میگردد. روزنامه علمی مدت چهارسال و شصت و سه شماره از آن انتشار یافت و آخرین شماره آن روز شنبه سوم ربیع‌الاول سال ۱۲۹۷ منتشر شد.

از روزنامه‌های دیگر که در زمان ناصرالدین شاه طبع و انتشار می‌یافت روزنامه دوات علیه ایران است. این روزنامه در سال ۱۲۷۷ در تهران تاسیس و باهتمام میرزا ابوالحسن غفاری نقاش باشی کاشانی ملقب به صنیع‌الملک دایر شد و در واقع دنباله روزنامه وقایع اتفاقیه بود روزنامه علیه ایران پس از تعطیل روزنامه وقایع اتفاقیه در سال ۱۲۷۷ بجای آن منتشر شد. از خصوصیات روزنامه مزبور تصاویر و نقاشی‌های متعددی است که از شاهزادگان و رجال و حکام و امراء دوران ناصرالدین‌شاه در هر شماره چاپ میگردد و این تصاویر بتوسط صنیع‌الملک (۱) مباشر چاپ روزنامه ترسیم میشد روزنامه صنیع‌الملک تا سال ۱۲۸۷ دایر بود.

روزنامه دیگر روزنامه مریخ است که نمره اول آن روز دوشنبه پنجم محرم ۱۲۹۶ قمری در دارالطباعة خاصه در اراك همایون بقطع وزیری در چهار صفحه با چاپ سنکی و بخط نستعلیق طبع میشد. در این روزنامه حوادث نظامی و بعضی مطالب علمی منتشر میشد. در هر شماره در انتهای صفحه چهار جمله «رئیس کل دارالطباعة و دار الترجمة ممالک محروسه ایران صنیع‌الدوله محمدحسن» یا بطور اختصار «محمدحسن»

۱- میرزا ابوالحسن خان صنیع‌الملک نقاش باشی از اساتید فن نقاشی و عم مرحوم کمال‌الملک بود. میرزا ابوالحسن خان مدتی در فرنگستان بتحصیل نقاشی پرداخت و در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه بایران مراجعت کرد و مورد توجه مخصوص پادشاه و از طرف شاه ماموراداره مطبعه دولتی و روزنامه دولت علیه ایران گردید و تا سال ۱۲۸۲ قمری که در سن پنجاه سالگی بمرض سکنه فوت شد در همان کار باقی بود.

که مقصود مؤسس و مدیر این روزنامه است درج میگردد: از این روزنامه فقط هیجده نمره که نمره آخر آن مورخ بتاریخ چهارشنبه شانزده جمادالثانیة ۱۲۹۷ است منتشر شده .

موضوعی را که باید در اینجا بدان اشاره کنیم آنست که حاج میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی در سال ۱۲۹۲ در تهران بدستگیری بارون لوئی دو نرمان مهندس بلژیکی روزنامه‌ای را بزبان فرانسه و فارسی ایجاد کرد . چنانکه میدانیم درسفر اولی که ناصرالدین شاه با سپهسالار سابق الذکر به اروپا کرد در ضمن اقامت در اسلامبول به صوابدید سپهسار مطبوعه عربی باحروف عربی ولاتینی خرید و بایران آورد (۱۲۹۰) اما مطبوعه مزبور همانطور در تهران باقی بود تا آنکه در سال ۱۲۹۲ حاج میرزا حسین سپهسالار آن مطبوعه را بتوسط دو نرمان بکار انداخت و روزنامه لاپاتری (۱) وطن را منتشر میساخت . از این روزنامه فقط يك شماره در تاریخ شنبه نهم محرم ۱۲۹۳ قمری انتشار یافت . ولی بعلمت آنکه دم از آزادی میزد و موافق طبع شاه نبود توقیف گردید .

دیگر از روزنامه‌های دوران ناصرالدین شاه نمرات السفر است که پس از چند شماره لفظ مشکوة الحضر نیز بعنوان آن اضافه شد . این روزنامه از ربیع الاول سال ۱۲۸۸ درمازندران از طرف اعتماد السلطنه در عرض راه و منازل انتشار می یافت و سیزده شماره آن منتشر گردید . در همان اوقات روزنامه‌ای فارسی در شیراز دائر شد و این جریده را میرزا تقیخان کاشانی حکیمباشی ظل السلطان در اوائل ورود شاهزاده مزبور بعنوان سومین بار حکومت در آن ایالت تأسیس کرد شماره اول آن در بیست و پنجم جمادی الاخری ۱۲۸۹ منتشر شد و ابتداء نیمه ای فارسی و نیمه ای عربی بود ولی از شماره چهار بعد فقط فارسی شد روزنامه اختر فارسی در سال ۱۲۹۲ در اسلامبول بتوسط آقامحمد طاهر تأسیس گردید .

روزنامه نیمه رسمی اطلاع در سال ۱۲۹۵ بتوسط اعتماد السلطنه دائر شد و جریده فرهنگ از اواسط سال ۱۲۹۶ در اصفهان و جریده تبریز در آغاز سال ۱۲۹۷

در تبریز ایجاد گردید و روزنامه دانش را علیقلیخان منبخرالدوله در سال ۱۲۹۹ تاسیس و در دارالفنون طبع کرد و جریده اردوی همایون در سال ۱۳۰۰ یعنی در مسافرت ناصرالدین شاه بخراسان از طرف اعتماد السلطنه در منازل بین راه منتشر میشد.

در بهمنی هم در ربیع الاول ۱۳۰۰ جریده ای فارسی دایر شد. اگر روزنامه میرزا علیقلیخان حکیم الملک پسر آقا اسمعیل جدیدالاسلام را نیز که گویا بادضای وی و در واقع بقلم خرد ناصرالدین شاه نوشته می شد و از حیث کثرت انتشار اهمیت داشت حساب کنیم جراآمد ایرانی و فارسی قرن سیزدهم هجری را ذکر کرده ایم.

جراآمدی که بعد از ایجاد مشروطیت در ایران منتشر شده متعدد است و راجع به آنها در مبحث مخصوص بتاريخ ادبیات ایران بعد از مشروطیت گفتگو خواهیم نمود ترجمه و تالیف کتب پس از تاسیس دارالفنون و فرستادن شاگرد و رفت و آمد تجار ایرانی در نقاط مختلف فرنگستان تا حدی پای علوم جدید غرب به مملکت ما باز شد و تالیف کتب در علوم جدید مثل جغرافیا و طب و فنون نظامی معمول گردید و مردم به آموختن السنه خارجی توجه کردند و در این راه علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه و فرهاد میرزا معتمدالدوله و اداره مدرسه دارالفنون و اداره انطباعات و دارالترجمه و بعضی از ارمنه که بزبان فارسی و خارجی آشنا بودند راهنمای مردم دیگر شدند و کتب مهمی ترجمه و تالیف کردند که ما در ضمن اقدامات امیر کبیر بشرح آن پرداخته ایم البته دنباله این امر در تمام دوران سلطنت ناصرالدین شاه کشیده شده و کتب معتبری تالیف گردید که از آن جمله نامه دانشوران و کتاب منتظم ناصری و امثال آنها بود.

ایجاد کارخانه ها علاوه بر مؤسسات و کارخانه هائی که در دست دولت بود مانند ضرابخانه و باروت سازی و تفنگ سازی جمعی از رجال و تجار ایرانی عده ای کارخانه برای رفع حوائج عامه بایران آوردند.

مثل کارخانه چراغ گاز حاج میرزا حسین خان سپهسالار که در سال ۱۲۹۷ براه افتاد و کارخانه قند سازی کهر بزرگ که بتوسط میرزا علیخان امین الدوله در سال ۱۳۱۷ مشغول کار شد و کارخانهای بلور سازی برق و چینی سازی و ابریشم تابی که

بتوسط حاج محمد حسن امین‌الضرب تاسیس شد به علاوه عده زیادی کارخانه دیگر مانند کبریت سازی و نساجی ایجاد گردید که بر اثر رقابت خارجیان و عدم سرمایه کافی از میان رفت .

تقلید آداب و مراسم اروپائی در زمان ناصرالدینشاه بسیاری از آداب و مراسم اروپائی در ایران انتشار یافت و باینکه این آداب از عهد فتحعلیشاه و محمد شاه در این سرزمین منتشر شده بود در دوره سلطنت ناصرالدین شاه دامنه آن وسعت بیشتری یافت و تغییر کلاه و لباس معمول گردید و اغذیه فرنگی و شرب چای و توسعه زراعت توتون و تهیه ترپاک و کشت سیب زمینی و بعضی نباتات و گلها در واقع از آثار این دوره است .

فصل چهارم

تاریخچه مشروطیت و انقراض قاجاریه

مقدمه در زمان ناصرالدین شاه دولت بتوسط میرزا ملکم خان ناظم الدوله يك سلسله امتیازات بانگلیسی داد وصاحبان امتیازات مذکور با دادن رشوه به ملکم خان و امین السلطان صدراعظم و تقدیم هدایای گرانبهاشاه بتحصیل امتیازاتی نائل آمدند از جمله امتیازات مزبور حق قرعه کشی و لاطاری و افتتاح قمارخانه و انحصار دخانیات در ایران بود. شاه پس از مراجعت از فرنگ بزبان این امتیازات پی برد و غیر از انحصار دخانیات جمیع آنرا لغو کرد. امتیاز دخانیات در سال ۱۳۰۸ قمری وارد مرحله عمل شد و درلندن شرکتی بنام شرکت دخانیات دولت شاهنشاهی تاسیس یافت شرکت مزبور نمایندگان بایران فرستاد تا اداره رژی (۱) را تشکیل دهد و مقدمات انحصار خرید و فروش و صدور دخانیات ایران را فراهم آورد. مردم این سرزمین که بر اثر آشنائی مختصر باحوال ممالک خارجه و خواندن جرائد فارسی منطبعه اسلامبول تا اندازه ای اطلاعات جدید پیدا کرده بودند پس از آگاهی به شرایط این انحصار و مقایسه آن با امتیازی که دولت عثمانی در باب دخانیات خود با شرایط بهتری به شرکتی خارجی داده بود شروع بمخالفت کردند.

مخالفت مردم به پشت گرمی علماء شیعه متدرجا صورت قیام برضد دولت را بخود گرفت. قائدین مردم در این راه حاج میرزا حسن آشتیانی در تهران و حاج میرزا حسن شیرازی در عتبات بودند.

شاه و امین السلطان از ترس شورش مردم و اعلان جهاد علماء امتیاز مزبور را در شانزدهم جمادی الاولی ۱۳۰۹ لغو کردند و شرکت دخانیات را باین ترتیب منحل

نمودند. مسئله رژی و پیشرفتی که راجع به الغاء امتیاز آن نصیب مردم شد بایشان فهماند که با پافشاری و شورش میتوان با حکومت استبدادی مقاومت نمود و درمقابل استبداد شاه و صدراعظم وی قد علم کرد موضوع مزبور مقدمه ای برای این قبیل قیامها در زمان صدارت امین السلطان و عین الدوله صدر اعظم مظفرالدین شاه شد امین السلطان بعد از لغو امتیاز رژی ناچار پیرداخت خسارات شرکت دخانیات انگلیس که منحل شده بود گردید و چون دولت محلی نداشت پانصد هزار لیره انگلیسی از بانک شاهی قرض گرفتند این اولین قرضی بود که ایران از خارجیان گرفت و مقدمه بدبختی این مملکت را فراهم آورد قرض مزبور و قروض دیگری که ناصرالدین شاه و پادشاهان دیگر قاجار از دولتمندان انگلیس و روس گرفتند روز بروز بر بدبختی ایران افزود و تسلط بیگانگان را بر این کشور فزونی داد. فساد دربار ناصرالدین شاه و ظلم و جور حکام و رشوه خواری رجال و درباریان در اواخر سلطنت او روی یافزایش گذاشت. این موضوع و حرکات ناپسند امین السلطان و کامران میرزا پسر شاه باعث شد که مردم بفکر اصلاح خرابیهای اجتماعی و الغاء حکومت استبدادی بیفتند در بیدار کردن عامه جمع کثیری از داخل و خارج مملکت میکوشیدند که از آنجمله امین الدوله و حاج شیخ هادی نجم آبادی و سید جمال الدین اسدآبادی بودند. مسائل و علل مزبور باعث شد که در روز هفده ذی قعدة ۱۳۱۳ میرزا رضای کرمانی از مریدان آفاشیخ هادی نجم آبادی و سید جمال الدین اسدآبادی ناصر الدین شاه را در حضرت عبدالعظیم بقتل برسانند.

مظفرالدین شاه و مشروطیت ایران مظفرالدین شاه در سال ۱۲۷۴ بسن پنجم سالکی ولیعهد شد و هنگام مرگ پدرش ناصرالدین شاه ۴۵ سال داشت. این شاهزاده در دوران ولایتعهدی خود با وجود آنکه ناصرالدین شاه سه دفعه بفرنگستان سفر کرد و در غالب نقاط ایران نیز بسیاحت پرداخت کمتر از آذربایجان خارج شد و چون مردمی ضعیف النفس و علیل المزاج بود در حر مسرا دور از اوضاع عالم و مصالح کشور سر میکرد و پدرش آنطور که باید در تربیت وی نکوشیده بود و همواره با درباریان یسواد و چاپلوس سر و کار داشت و در امر سیاست بسیار بی بصیرت بار آمد. در آن

تاریخ آذربایجان در تحت نفوذ سیاسی روسها بود و اطرافیان ولیعهد تمایل بسیارست روسیه داشتند. بعد از قتل ناصر الدین شاه و آمدن ولیعهد بهتران امین السلطان در مقام صدارت باقیماند تا آنکه در اواخر سال ۱۳۱۴ مظفر الدین شاه ویرا معزول داشت و مقام او را بمیرزا علیخان امین الدوله داد. امین الدوله مردی وطن پرست بود و اصلاحاتی کرد و بر عده روزنامه ها افزود و در صدد تنظیم امور مالی مملکت و اداره گمك و خزانه برآمد و مستشاران چندی از جمله نوز بلژیکی را استخدام نمود. این اقدامات و تحریکات مفتخواران و درباریان باعث شد که شاه در سال ۱۳۱۶ امین الدوله را معزول نماید و امین السلطان را دوباره بر سر کار آورد. امین السلطان در دفعه ثانی تا سال ۱۳۲۱ بآن مقام باقی بود و در دوره صدارت خود بجای آنکه دست رشوه خواران و مفتخواران را از امور کوتاه کند و دست باصلاحاتی زند شروع بقرض از خارجه نمود و در سنوات ۱۳۱۸ و ۱۳۲۰ دو فقره قرض از روسیه نمود و عواید گمرک شمال را بگرو قروض مزبور گذاشت و مستشاران بلژیکی از آن تاریخ حکم مأمورین روسیه را در اداره گمرک و تجارت پیدا کردند. نوز باندازه ای قدرت یافت که در سال ۱۳۲۱ بوزارت گمرک ایران رسید این قروض بمصرف پرداخت حقوق درباریان و دو سفر بیهوده مظفر الدین شاه بفرنك (۱۳۱۸ و ۱۳۲۱) رسید و بحال کشور مفید واقع نگشت در سال ۱۳۱۸ امین السلطان قرض دیگری از انگلیس کرد و عوائد پست و تلگرافخانه و گمرک جنوب را بگرو پیش دولت مزبور گذاشت و بهترین وسیله درآمد کشور را بدست خارجیان داد و تسلط بیگانگان را در مملکت زیاد کرد. وضع خراب مالی مملکت و سفرهای شاه بفرنكستن و حرکات خود خواهانه امین السلطان باعث تجری مردم گردید و مردم و روحانیون در نهم جمادی الاولی ۱۳۲۱ عزل او را از پادشاه درخواست کردند و بالاخره شاه او را منفصل ساخت و سلطان مجید میرزا عین الدوله را بجای وی بصدارت برگزید. عین الدوله نیز حکومت استبدادی را در پیش گرفت و همین عمل بر نفرت مردم نسبت بوی افزود و در ضمن هواخواهان امین - السلطان نیز مردم و علما را تحریک بر ضد عین الدوله میکردند و چون عین الدوله زمام امور شرعی را در اختیار حاج شیخ فضل الله نوری گذاشته بود علماء دیگر بسختی با

این امر مخالفت ورزیدند و بالاخر در اواخر سال ۱۳۲۲ مخفیانه انجمن ايجاد کردند تا حکومت مشروطه را برقرار سازند. آقاسید محمد طباطبائی در این راه مساعدت و کوشش فراوان میکرد و در بیداری افکار مردم سعی مینمود. در اوایل سال ۱۳۲۲ عکسهای از نوز با عمامه و عبا بدست علماء و واعظ رسید و طبقه مزبور بعنوان اهانت باسلام بر حکومت حمله کردند و پیشوای مخالفین در این کار آقاسید عبدالله بهبهانی بود اما عین الدوله اعتنایی نکرد و بر قدرت نوز بلژیکی افزود و برای آنکه شورشیان بشاه نزدیک نشوند و مطالب خود را بوی نگویند شاه را بعنوان معالجه بفرنگستان روانه کرد تا مظفرالدین شاه در فرنگستان بود مردم دست از مخالفت برداشته بودند اما بمحض آنکه شاه مراجعت کرد بعلمت آنکه علماء و تجار با نوز بلژیکی و گرانیه قند مخالفت مینمودند عین الدوله بنای بدرفتاری با آنها را گذاشت و علاءالدوله حاکم تهران بعضی از تجار را بیجوب بست علماء که این دیدند در شانزدهم شه ال ۱۳۲۳ بحضرت عبدالعظیم رفتند و عاناً شروع بمخالفت با عین الدوله کردند پس از مدتی گفتگو بین متحصنین و دربار علماء در شانزدهم ذی قعدة ۱۳۲۳ با احترام تمام شهر ان مراجعت کردند و قرار شد که عین الدوله مستدعیات ایشان را راجع تاسیس عدالتخانه برآورده کند. پیشرفت علماء باعث عزل علاءالدوله حاکم تهران گردید اما عین الدوله رفتار خود را نسبت بعلماء تغییر نداد و حتی بعضی از روزنامه ها و آزادخواهان را توقیف کرد از جمله ابن آزادخواهان یکی از معارف و باظ آزادخواه سید جمال الدین اصفهانی بود که بقم تبعید شد. صدراعظم با کمال استمداد از تاسیس عدالتخانه خود داری میکرد و رفت و آمد مردم را در شب سخت میگرفت این عملیات بر شورشی اهالی افزود و بالاخره در مسجد جامع تهران جمع شدند و عزل عین الدوله و تاسیس عدالتخانه را از مظفرالدین شاه خواستند عین الدوله جمعی از قواء نظامی را با طرف مسجد جامع برای متفرق کردن مردم فرستاد. این عده بنای زدو خورد را با مردم گذاشتند و چند نفر از آزادخواهان را کشتند با این پیش آمد علماء بقررفتند و تجار و بعضی از مردم پایتخت بسفارت انگلیس پناهنده شدند و شاه ناچار عین الدوله را عزل نمود و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نائینی را بصدارت برگزید و فرمان مشروطیت

ایران را در چهاردهم جمادی الثانیة ۱۳۲۴ صادر کرد و در هیجدهم شعبان همانسال مجلس شورای ملی صنایع الدوله تشکیل و قانون اساسی ایران تدوین شد. قانون مزبور را مظفرالدین شاه در چهاردهم ذی القعدة همانسال امضاء کرد و پنج روز بعد از امضاء آن مرد بعد از مظفرالدین شاه بترتیب محمدعلیشاه و احمد شاه چانشینان مظفرالدین شاه و انقراض قاجاریه
بسلطنت رسیدند.

محمدعلی میرزا از طرف مادر نوه میرزا تقیخان امیر کبیر بود. وی پس از وفات پدر از تبریز به تهران آمد و بسلطنت رسید و فرمان مشروطیت را که مظفرالدین شاه صادر کرده بود با امضاء رسانید. اما چندی نگذشت که بتحریر لیاخوف فرمانده قزاقخانه و وزیر دربار او بر آنها در جنگ رسماً با مشروطیت بنسای مخالفت را گذاشت و مشیرالدوله را از صدارت برداشت و امین السلاطین را بجای وی انتخاب نمود (۱۳۲۵). امین السلاطین در رجب سال ۱۳۲۵ موعبیکه از مجلس شورای ملی خارج میشد بتوسط یکی از آزادیخواهان موسوم به عباس آقا تبریزی بقتل رسید و محمدعلیشاه میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک را بصدارت برگزید و بر اثر فشاری نمایندگان در حفظ حکومت مشروطه در مجلس سوگند یاد کرد با اینحالت دست از دشمنی نسبت بمشروطه خواهان برنداشت و عده ای از وزراء و رجال از آنجمله ناصرالملک را محبوس ساخت و قصد داشت اساس مشروطیت را برهم زند. مردم آزادیخواه که بر نیت شاه اطلاع یافتند در تهران و ولایات سپاهیان و اوطاب فراهم ساختند و رسماً بنای ضدیت را با حکومت استبدادی محمدعلیشاه گذاشتند پادشاه در بیست و سه جمادی الاولی ۱۳۲۶ بتوسط لیاخوف رئیس قزاقخانه مجلس را از باغشاه به توپ بست و باین ترتیب عده ای از وکلاء کشته و محبوس شدند و جمعی دیگر فرار اختیار کردند. محمدعلیشاه عده ای از رباب جرائد و کسانی را که در خصوص حفظ مشروطه اقداماتی میکردند بقتل رساند و سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبائی را از پایتخت تبعید نمود و مشروطه را از میان برداشت و استبداد صغیر را شروع کرد. این اقدامات باعث قیام علنی مردم در ولایات شد و عده ای از آزادیخواهان نیز تبریز را تصرف کردند. شاه عین الدوله را مأوور فتح تبریز نمود اما باقر خان سالار ملی و ستارخان سردار ملی بمختی مقاومت کردند و فتح تبریز برای قوای دولتی

میسر نشد در نقاط دیگر نیز مخالفت با دولت شروع گردید و محمد ولیخان تنکابنی در تنکابن از مشروطه خواهان طرفداری کرد و پیرم خان ارمینی با جمعی از آزادی خواهان به محمد ولیخان در رشت پیوست و علیقلیخان سردار اسعد با اتفاق نجفقلی خان صمصام السلطنه بختیاری اصفهان را تصرف شدند و عازم تهران گردیدند و در یادامک کرج قوای دولتی را شکست دادند و تهران را تصرف کردند (۱۳۲۷). محمد علیشاه بعد از این پیش آمد بسفارت روس رفت و از سلطنت استعفا داد. آزادخواهان در بیست و هشت جمادی الاخر ۱۳۲۷ احمد میرزا فرزند دوازده ساله محمد علیشاه را به پادشاهی انتخاب کردند و نیابت سلطنت را به عضدالملک دادند. وزارت جنگ با محمد ولیخان تنکابنی ملقب به سپهبد اعظم به دو سردار اسعد بختیاری، یوزادت داخله انتخاب شد و تا تشکیل مجلس شورایی زمام امور مملکت در دست یک هشت مدیره افتاد و این هیئت اول کاری که کرد محمد علی میرزا را تبعید نمود و قرار گذاشت با گرفتن مستمری هفتاد و پنج هزار تومان در سال بروسه برود، چون پس از قایل مدتی محمد علی میرزا از طریق خراسان و استرآباد بایران مراجعت و شروع با اقدامات بر ضد حکومت مشروطه کرد دولت عده ای را مأمور سرکوبی او نمود و از آن پس حقوق سالیانه وی را قطع کرد. در دوم ذیقعده ۱۳۲۷ مجلس دوم افتتاح شد و نمایندگان سپهبد اعظم را بریاست وزراء انتخاب کردند و هیئت مدیره موقتی منحل گردید. چون عضدالملک در ۱۳۲۸ فوت شد ناصرالملک به نیابت سلطنت رسید و مقام ریاست وزراء را میرزا حسین خان مستوفی الممالک در دست گرفت.

مجلس شورایی برای اصلاح امور مالی مملکت در سال ۱۳۲۹ هیئتی از مستشاران امریکایی را در تحت ریاست مورگان شوستر (۱) استخدام کرد و عده ای از مستشاران سوئدی را که ریاست آنها با سرهنگ یال مارسون (۲) بود برای اداره نظمیخواست مستشاران سوئدی در تربیت قواء تأمینیه سمی باقی نمودند و عده ای را بنده هزار نفر رساندند. مورگان شوستر با مستشاران بلژیکی و روسها بنای مخالفت را گذاشت و چون بموجب حکم مجلس شورای ملی بنشاداموال شعاع السلطنه برادر محمد علی میرزا

توقیف شود و روسها خانه شخصی او را تحت نظر قرار دادند شوسترا آنچاراه محاصره و دولت روسیه بتوسط سفارت خود در تهران بایران اعتراض کرد و در خواست روانه کردن شوسترا را از ایران نمود و دولت ناچار باین امر تن در داد و مستشاران امریکایی را از این مملکت بیرون راند. روسها بمناسبت پیشرفتی که در بیرون کردن امریکاییها کردند بر جرأت خود افزودند و گنبد مشهد مقدس را گلوله باران کردند و جمعی از مردم آزادیخواه را در تبریز بقتل رساندند. این حوادث باعث خرابی اوضاع داخلی ایران شد.

احمدشاه در سال ۱۳۳۲ تاجگذاری کرد و نیابت سلطنت ناصرالمالک به پایان رسید. در همان اوان جنگهای بین الملل اول شروع و ایران پایتکوب ستوران اجانب شد. چه دولتین انگلیس و روس در شمال غربی و جنوب غربی این سرزمین باقوای آلمان و اطیش که بمساعدت دولت عثمانی باین مملکت آمده بودند مشغول جنگ و نزاع شدند و اوضاع ایران را وخیم تر از پیش نمودند اما مستوفی الممالک رئیس الوزراء در حفظ بی طرفی ایران سعی زیادی نمود و خوشبختانه استقلال ایران تامین گردید.

فصل پنجم

تاریخچه نهضت اخیر و ترقیات گنونی

نظر اجمالی چنانکه اشاره شد وضع مالی ایران از اواخر سلطنت مظفرالدین شاه قاجار رو به خرابی گذاشت قروض فراوانی که پادشاه مزبور از بیگانگان جهت مسافرت بفرنگستان کرد و دنباله آن بدوران پادشاهی احمدشاه نیز کشیده شد. بحران مالی مملکت را بعد از اعلائی خود رساند بخصوص که اغلب منابع ثروتی و حتی کمرکات و عوارض در تحت تفتیش دولتین روس و انگلیس و بابکرو قروضی که بایر آن داده بودند درآمد برای آنکه زمینه ای از این قبیل قروض بدست آید قسمتی از آنرا در اینجا ذکر مینمائیم:

در سال ۱۳۱۸ قمری ۲۲۵۰۰۰۰۰ منات با ربح ۵٪ بمدت ۷۵ سال در مقابل عایدات کمرک شمال ۰ در سال ۱۳۲۰ قمری ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ منات. در سال ۱۳۲۹ قمری ۱۱۱۱۰۰۰ لیره انگلیسی بمدت ۱۵ سال و با ربح ۷٪ از روسیه و قروض دیگری که در اینجا از ذکر آن صرف نظر میکنیم.

پادشاهان قاجار از دولت انگلیس هم قرضهایی کرده اند که برای نمونه چند فقره آنرا یاد آور میشویم در سال ۱۳۲۹ قمری ۱۲۵۰۰۰۰ لیره انگلیسی بمدت ۵ سال و با تنزیل ۵٪ در مقابل عایدات کمرک جنوب. در سنوات ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ بدفعات قریب چهارصد و پنجاه هزار لیره انگلیسی باز در مقابل قسمت دیگری از عایدات جنوب. غیر از آنچه گفته شد دولت ایران قروض دیگری هم ببانک شاهی و بانک استقراضی روس داشته که برای احتراز از اطناب از ذکر آن صرف نظر میکنیم با مطالبی که مجعلا اشاره شد مسلم است تلاوه بر آنکه ایران استقلال مالی خود را از دست داد استقلال سیاسی و ارضی آنها در مخاطره افتاد.

از طرف دیگر اغتشاشات داخلی و عدم اطاعت ایلات و عشایر از حکومت مرکزی و وجود ملوک لطوایی در سراسر این سرزمین و بروز جنگهای بین الملل اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) و تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ روس و انگلیس و روی کار آمدن دو حکومت یکی در مرکز و دیگری در مغرب بتوسط مهاجرین اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران را بنظر وخیم تر و بدتر مینمود. اسمعیل آقا سیمتو در آذربایجان و نایب حسین کاشی و پسرش ماشاء الله خان در کاشان و شیخ خزعل در خوزستان و میرزا کوچک خان در شمال و مخالفت هر يك از ایشان با دولت اساس امنیت را در این مملکت پایمال میکرد و ایران را بیش از پیش بجانب ورطه هلاک و اضمحلال میراند و حکومتی مرکزی وجود نداشت که بتواند اوضاع را بهبود بخشد وضع بهمین منوال بود تا آنکه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی جریان سیاست کشور را از صورتی بصورت دیگر در آورد

روی کار آمدن رضا شاه پهلوی

رضاخان میربنج در ۲۴ اسفند ماه ۱۲۵۶ شمسی (۱۲۹۵ قمری) در آلاشت سوادکوه پا بعرضه وجود گذاشت پدر وی عباسقلی خان فرمانده قوای نظامی در سوادکوه بود و جد او مرادعلیخان در موقع محاصره هرات کشته شد. تربیت رضاخان بعد از فوت پدرش بعموی او نصرالله خان سر تیب و اگذار گردید. رضاخان چون علاقه شدیدی بنظام داشت وارد فوج سوادکوه شد و در سن ۲۲ سالگی داخل قزاق خانه گردید و بر اثر ابراز شجاعت و لیاقت در جنگها بتدریج بدرجات عالیتری نائل آمد تا آنکه در سال ۱۲۹۴ شمسی ریاست تیب قزاقخانه همدان را عهده دار شد و بمقام سرتیپی رسید و در سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ در تهران کودتا کرد و با قوایی که از شمال با خود همراه آورده بود کلیه نقاط حساس پایتخت را قبضه نمود و با عنوان سردار سپه قوای نظامی را در تحت اختیار خویش در آورد.

سیدضیاءالدین طباطبائی که مقام ریاست وزرا را داشت در چهاردهم اردیبهشت ۱۳۰۰ وزارت جنگ را بسردار سپه و اگذار کرد و در چهاردهم خرداد همان سال سید ضیاء الدین منفصل گشت و عازم اروپا شد.

پس از سیدضیاء الدین ریاست وزراء بقوام السلطنه و بعد از وی بمرحوم پیرنیا مشیرالدوله (۲۹ آبان سال ۱۳۰۰) رسید. مشیرالدوله در هیجدهم اردیبهشت ۱۳۰۱ از آن مقام استعفا داد و مجدداً قوام السلطنه رئیس الوزراء شد و در دهم بهمن همان سال مرحوم میرزا حسن خان مستوفی الممالک کابینه را تشکیل داد و در سوم خرداد ۱۳۰۲ مشیرالدوله مجدداً رئیس الوزراء شد و تا ۲۹ مهر ۱۳۰۲ بهمان مقام باقی بود و تا آن تاریخ وزارت جنگ را رضاخان سردار سپه داشت.

در چهارم آبان ۱۳۰۲ مقام ریاست وزراء بوی مفوض شد و در عین حال عهده دار وزارت جنگ نیز بود. در همان ماه احمدشاه قاجار عازم فرنگ شد و از ایالات و ولایات مردم درخواست تغییر وضع حکومت را کردند و رضاخان در سوم اسفند ۱۳۰۲ از کارکناره جست و در هیجدهم فروردین ۱۳۰۳ دوباره رئیس الوزراء شد و برنامه دولت را در بیست و چهارم همان ماه بقرار ذیل اعلام کرد.

تکمیل قوای دفاعیه و گذرانیدن قانون نظام وظیفه عمومی و اصلاح امنیتیه و شهربانی ولایات و قه اینج عدلیه و توسعه وسائل تعلیم و تربیت و ترقی معارف و بهداشتی و توحید اوزان و مقادیر و تکمیل مؤسسات پست و تلگراف.

در نهم آبان ۱۳۰۴ مجلس شورای ملی خلیع دودمان قاجار را اعلام نمود و حکومت موقتی را برقرار کرد که ریاست آن با رضاخان بود و در دوازدهم آبان همان سال نظامنامه انتخابات مجلس مؤسسان منتشر شد و بتدریج دول خارجی حکومت موقتی را بر عهده شناختند و در پانزدهم آذر همان سال مجلس مؤسسان تشکیل یافت و در بیست و یکم آذر مجلس مؤسسان در بیست و چهارمین جلسه خود سلطنت ایران را بر رضاخان سردار سپه و رئیس الوزراء مفوض داشت و اصول چهارگانه ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی را تعبیر داد که ذیلا نقل میگردد:

اصل ۳۶: پادشاهی مشروطه ایران از طرف ملت بوسیله مجلس مؤسسان بشخص رضاشاه پهلوی مفوض گردید و اعقاب ذکور ایشان نسلاً بعد نسل برقرار خواهند بود
اصل ۳۷: ولایتعهدی به پسر بزرگ پادشاه که مادرش ایرانی الاصل باشد تعلق خواهد گرفت در صورتیکه پادشاه اولاد ذکور نداشته باشد تعیین ولیعهد بموجب پیشنهاد

شاه و تصویب مجلس شورایی ملی بعمل خواهد آمد. شروط براینکه ولیمهد از خانواده قاجار نباشد و هنگام ظهور پسری برای شاه حتما ولایت عهدی با او خواهد بود. اصل ۳۸: ولیمهد وقتی میتواند امور سلطنت را در دست گیرد که دارای ۲۰ سال تمام شمسی باشد.

اصل ۴۰: اگر ولیمهد باین سن نرسیده باشد نایب السلطنه از غیر خاندان قاجار از طرف مجلس شورای ملی انتخاب خواهد شد. در ۲۴ آذر ۱۳۰۴ تشریفات تحلیف در مجلس شورای ملی برگزار شد و دول خارجی پادشاهی پهلوی را شناختند. در بیست و هشتم آذر سال ۱۳۰۴ اولین کابینه زمان پهلوی تشکیل و در ششم دیماه همان سال بفرمان وی انتخابات دوره ششم آغاز گردید و در چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ مراسم تاجگذاری بعمل آمد و در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ شمسی از سلطنت کناره جست.

اصلاحات عصر حاضر
در زمان اعلیحضرت فقید رضاشاه پهلوی يك سلسله اصلاحات اساسی در شؤون اجتماعی و اقتصادی ممالک انجام گرفت که

خلاصه آنرا ذیلا شرح میدهم:

۱- نظامیان ایران در آن هنگام منحصر بعدة قلبایی قزاق و امنیه بود. دولت برای ایجاد قوای کامل نظامی در شانزدهم خرداد سال ۱۳۰۴ قانون خدمت نظام وظیفه را مشتمل بر موادی چند راجع به معاف بودن و تقلیل مدت خدمت نظام و وظائف مجلس سربازگیری از مجلس گذراند.

۲- استقرار امنیت و قلع و قمع متجاسرین از قبیل میرزا کوچک خان جنگلی (۱۳۰۰) سید جلال چمنی از اتباع میرزا کوچک خان گیلانی (۱۳۰۱) سردار رشید و سید طه از اشرار لر و کرد و شیخ خزعل در خوزستان (۱۳۰۳) و امیر عشایر و امیر نصرت و اقبال السلطنه ماکومی و کاظم قوشچی و اسمعیل آقای سیمتقو در آذربایجان (۱۳۰۹)

۳- توسعه تجارت ایران با گذراندن قوانین تعرفه گمرکی (۱۳۰۷) و انحصار تجارت (۱۳۰۹) از مجلس

۴- تاسیس وزارتخانه های جدید مانند وزارت راه و اقتصاد ملی (۱۳۰۸) که

بعدها بوزارت کشاورزی و بازرگانی و پیشه و هنر تقسیم شد .

۵- تاسیس شرکتهای صنعتی و فلاحتی و تجارتی .

۶- تاسیس بانک ملی . قانون تاسیس این بانک در چهاردهم اردیبهشت ۱۳۰۶ از مجلس گذشت و در هفدهم شهریور سال ۱۳۰۷ افتتاح شد و مقدمه تاسیس بانک فلاحتی و صنعتی نیز از همان سال شروع و در سال ۱۳۱۲ از بانک ملی مجزا شد و بانک سپه نیز ایجاد گردید .

۷- توسعه فلاحت با تشویق برزگران و مرغوب کردن محصولات فلاحتی و تغییر نوع آن با آوردن برزهای مناسب از ممالک دیگر و سعی در تسهیل آبیاری
۸- تشویق ارباب حرف و صنایع و ایجاد کارخانه های دولتی از قبیل کارخانه قند و سیمان و توسعه صنایع یدی ایران مانند قالی بافی و غیره .

۹- تجدید نظر در بعضی امتیازات مانند امتیازات شیلات و نفت و تغییر بعضی از شرایط آن بمنفعت دولت ایران .

۱۰- ایجاد طرق و شوارع و راه آهن . سرتاسری که خلیج فارس را به بحر خزر مربوط میسازد .

۱۱- توسعه پست و تلگراف و ایجاد دستگاه تلگراف بی سیم در سال ۱۳۰۳ و برقراری تلفن خودکار و دستگاه فرستنده رادیو در سال ۱۳۱۸ شمسی .

۱۲ آشنا ساختن مردم بتمدن اروپایی و کشف حجاب و متحدالشکل کردن لباس مردم

۱۳- توسعه مدارس و تاسیس دانشگاه و دانشکده های مختلف و افزایش عده

شاگردان و آوزگاران و معلمین و اعزام محصلین باروپا .

در خرداد سال ۱۳۰۷ برای اعزام محصلین باروپا دولت قانونی از مجلس گذراند که ماده اول آن ازینقرار است دولت مکلف است اعتبارهای ذیل را برای اعزام شاگردان بخارجه اعم از مرکز و ولایات و تکمیل تحصیلات ایشان در فنون مختلف که از طرف دولت معین خواهد شد در بودجه سنوات ذیل منظور دارد . بودجه سال ۱۳۰۷ یکصد هزار تومان و در سال بعد دویست هزار تومان است و همین طور سالی صد هزار تومان باید افزود تا در سال ۱۳۱۲ به ششصد هزار تومان برسد و بموجب

قوانین سنوات ۱۳۰۸ و ۱۳۱۰ اجازه داده شد ۲۰٪ از بین محصلین مقیم اروپا و اتازونی که با خرج خود رفته اند بخرج دولت انتخاب شوند .

عده محصلین اعزامی بخارج در سال باید یکصد نفر باشد و لااقل ۳۵٪ آن معلوم تربیتی اختصاص داده شود بر طبق قانونی که در سال ۱۳۰۸ از مجلس گذشت برای دارالمعلمین عالی کمک خرج معین شد و در ۱۶ اسفند سال ۱۳۱۲ اجازه تاسیس دانشسراهای مقدماتی و عالی (همان دارالمعلمین عالی) نیز بتصویب مجلس رسید .

در تاریخ هشتم خرداد ۱۳۱۳ شمسی قانون تاسیس دانشگاه تهران بتصویب رسید که دارای دانشکده های ذیل است : دانشکده علوم معقول و منقول . دانشکده فنی و ریاضی . دانشکده ادبیات و فلسفه و علوم تربیتی . و دانشکده طب و دانشکده حقوق ۱۵ - در سال ۱۳۱۵ کلاسهای اکابر برای تعلیم و تربیت سالمندان تاسیس شد

۱۶ - ایجاد موسسه وعظ و خطابه در بیست و هشت مهر ۱۳۱۵ و وضع قانون

ورزش اجباری در مدارس در چهاردهم شهریور ۱۳۰۶ و پیش آهنگی در ۱۳۱۴

۱۷ - ایجاد ابنیه جدید در اغلب نقاط ایران بخصوص در تهران و تبریز و

مازندران و مشهد .

۱۸ - حفظ آثار ملی و سعی در تعمیر آنها و توسعه حفريات تصدی این امر

ابتداء با پرفسور هر تیس فلد (۱) آلمانی بود ولی چندیست این اداره بتوسط مسیو گودار فرانسوی مشغول کار است .

۱۹ - تجلیل از بزرگان و شعرای نامی ایران چون فردوسی و حافظ و سعدی

و تعمیر مقابر آنها .

۲۰ - تاسیس ادارات مختلف و اصلاح ادارات سابق مانند آمار و ثبت احوال

و شهرداری و شهربانی و بهداری و اوقاف و شبر و خورشید سرخ .

۲۱ - اصلاحات قضائی و تجدید نظر در قوانین جزائی و محاکمات وغیره .

۲۲ - توسعه دبیرستانهای نظام و دانشکده افسری و تاسیس دانشگاه جنک .

۲۳ - سعی در بهبود وضع بهداشت .

۲۴ - الغاء کاپیتو لاسیون (۲)

فصل ششم

روابط ایران با ممالک دیگر از اوایل مشروطیت بعد

دولتین روس و انگلیس پس از مدت‌ها کشمکش سخت سیاسی در آسیا بخصوص در تبت و افغانستان و ایران که بین مستعمرات آنها واقع است بالاخره از ترس خطر ترقیات سریع آلمان و تهدیدی که از طرف این دولت متوجه آنها میشد در تاریخ ۲۵ رجب ۱۳۲۵ قمری (۳۰ اوت ۱۹۰۷) قراردادی بتوسط رئیس‌الوزراء فرانسه کلمانسو با یکدیگر بستند و بموجب آن اختلافات سیاسی خود را در آسیا دوستانه مرتفع ساختند. قسمتی از مواد این قرارداد که بقرارداد ۱۹۰۷ معروف و در دوره محمدعلی میرزا بسته شده است مربوط بایران بود. بر طبق قرار داد مزبور منطقه‌ای که در شمال خط واصل از قصر شیرین باصفهان و یزد و گردنه ذوالفقار است منطقه نفوذ روس شناخته شد. در این منطقه نباید هیچ قسم امتیاز راه آهن و تلگراف و بانک و وسایل نقلیه دیگر و بیمه برای دولت انگلیس و رعایای آن گرفته شود و دولت انگلیس نباید با گرفتن این قبیل امتیازات بتوسط دولت روسیه مخالفت کند

دولت روسیه نیز همین تعهد را راجع بمنطقه نفوذ انگلیس قبول کرد. منطقه نفوذ انگلیس محدود به بلوچستان و افغانستان و خلیج فارس و خطی که از گردنه ذوالفقار و بیرجند و یزد به بندر عباس منتهی میشد بود. منطقه‌ای را که خارج از این دو قسمت قرار داشت منطقه بیطرف نام‌نهادند دولتین مزبور باز بموجب همین معاهده عموم امتیازاتی را که سابقاً از ایران گرفته بودند رسمی و برقرار شمردند و نظارت در عوائد مناطق مزبور را خود تحت نظر گرفتند. با آنکه دولت ایران بر این قسمت از عهدنامه اعتراض کرد هیچیک از دولتین روس و انگلیس با اعتراض آن اعتنایی نکرد و روسها در شمال و انگلیسها در جنوب مسلط شدند و انگلیسها در ایالات جنوبی

و جزائر خلیج فارس و بحر عمان مانند رسها در حوزه خود سیاهیانی تشکیل دادند. در سال ۱۳۳۳ قمری (۱۹۱۵ میلادی) پس از آنکه روسها تا اصفهان پیش آمدند و انگلیسها در جنوب قواء امنیه و متحدین را مغلوب ساختند قرار داد ۱۹۰۷ را از میان بردند و بجای آن قرارداد دیگری را که معروف به قرار داد ۱۹۱۵ شد منعقد کردند و منطقه بیطرف را بکلی از میان برداشتند و ایران را بدو منطقه نفوذ منقسم ساختند و قرا گذاشتند روسها در شمال ۱۱۰۰۰ قزاق تربیت کنند و انگلیسها هم قوای بهمین اندازه در جنوب تشکیل دهند. قواء انگلیسی بلیس جنوب نامیده شد. بموجب همین قرارداد هیئت مختلطی از دودولت مزبور مالیه ایران را تحت اداره خود گرفت در اوائل سال ۱۳۳۶ (اواخر ۱۹۱۷) اوضاع داخلی روسیه بکلی تغییر کرد و دولت بلشویک بجای دولت تزاری روی کار آمد. این دولت در تاریخ چهاردهم ژانویه ۱۹۱۸ (اول ربیع الاول ۱۹۳۶) رسماً قرارداد سال ۱۹۱۵ را ملغی ساخت و چون روسیه به لغو قرار داد مزبور دست زد اساس آن سست و عملاً لغو شد: انگلیسها که دیدند نواحی شمالی ایران از قواء روس تخلیه شد و با این عمل ممکن است آلمانها از طریق بحر سیاه و شمال قفقازیه بایران دست یابند و هندوستان در خطر افتد از راه بلوچستان قواء بخراسان آوردند و از طرف مغرب خود را بهمدان و قزوین ورشت رساندند و تا باکو پیش رفتند. باین ترتیب در موقعیکه جنگ بین الملل اول نزدیک باتمام بود تقریباً تمام خاک ایران تحت نفوذ انگلیس قرار گرفت و انگلیسها برای آنکه تمام ایران جزو منطقه نفوذ آنها باشد از پذیرفتن نمایندگان ایران در مجمع اتفاق ملل خودداری کردند و بالاخره در شوال سال ۱۳۳۷ قمری (اوت ۱۹۱۹) دولت ایران را بامضاء قرارداد شوم دیگری مجبور ساختند. این قرارداد که معروف بقرارداد ۱۹۱۹ شده است اختیار کامل امور مالی و گمرکی و نظامی ایران را بدست مستشاران انگلیسی میداد و این مملکت را تحت حمایت بریتانیا میکشادست خوشبختانه مجمع اتفاق ملل بر اثر پیشنهاد امریکا این قرارداد را برسمیت نشناخت و در ایران نیز جمعی از آزادیخواهان بر ضد قرار داد مزبور قیام کردند و از طرف امریکا و فرانسه هم بانگلیس اعتراضاتی شد. وثوق الدوله رئیس الوزراء با زندانی کردن

آزادبخواهان و توقیف روزنامه های تهران و فرستادن احمد شاه بار و پاتا اندازه ای از بروز انقلاب جلو گیری کرد. کار بهمین منوال بود تا آنکه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و موضوع تغییر سلطنت بشرحیکه گفته شد پیش آمد.

چنانکه درمبحث راجع به ترقیات عصر حاضر ذکر کردیم موضوع کاپیتولاسیون در دوران سلطنت رضاشاه پهلوی از میان رفت کاپیتولاسیون یعنی حق قضاوت کنسولی این حق از سال ۱۲۴۳ قمری بموجب عهدنامه ترکمن چای به روسها داده شده بود و بتدریج دول دیگر هم برطبق عهد نامه های مخصوصی از آن استفاده میکردند. حق قضاوت کنسولی باعث تزلزل استقلال قضائی ایران و حاکمیت آن شده بود. در سال ۱۳۰۶ شمسی این حق رسماً از طرف درات ایران ملغی شد و بتدریج دولت ایران معاهداتی روی اساس متقابل با دول دیگر منعقد نمود. در سال ۱۹۲۱ میلادی دولت روسیه با عقد قرارداد اقتصادی از کلیه امتیازات خود در ایران چشم پوشید و در سال ۱۳۰۰ شمسی معاهده ای بین ایران و روسیه در خصوص شیلات بسته شد و بموجب آن شیلات در دست هیئت مختلط ایرانی و روسی قرار گرفت و در همانسال بندر انزلی (بندر پهلوی کنونی) به ایران واگذار شد.

ایران در سال ۱۳۰۰ شمسی عضویت جامعه ملل را پذیرفت و در سال ۱۳۰۸ در پیمان تحریم جنگ مشارکت کرد و در بسیاری از قراردادها و مقاله نامه های بین المللی شرکت نمود. از آن جمله عهدنامه ژنو راجع به گازهای سمی. اساسنامه دیوان بین المللی مراسم گمرکی. امداد بانحدید مقدار ادویه مخدره. قرارداد بین المللی اتومبیل رانی و جریبان انداختن فیلمهای بین المللی بود.

در سال ۱۳۰۸ شمسی دولت ایران با دولت حجاز و نجد معاهده ای بست و استقلال آنجا را برسمیت شناخت و در سال ۱۳۱۱ تجدید حدود بین ایران و ترکیه عملی شد و در سال ۱۳۱۴ حدود ایران و افغانستان تعیین گردید و در سال ۱۳۱۶ در کاخ سعدآباد پیمان اتحادی بین ایران و افغانستان و ترکیه و عراق بسته شد. اساس این عهد نامه بر

روی اصول تدافع و تعرض قرارداداشت و قرار بود هر وقت هر يك از دولی كه در پیمان
سعد آباد شرکت جستند مورد حمله بیگانگان واقع شود امضاء کنندگان آن قرارداد
به دولت مزبور مساعدت نمایند اما متاسفانه در این مورد اقدامی بعمل نیامد و خارجیان
بدون هیچگونه مانع و اعتراضی ایران را در سوم شهریور سال ۱۳۲۰ اشغال کردند.

فصل هفتم

تحول و انقلاب ادبی ایران از حدود دهمشروطیت باینظرف

مقدمه با آنکه از تاریخ مشروطیت باینطرف در نظم و نشر فارسی سبک و اسلوب قدیم حفظ شده است و شعر و صنوف مختلف آن هنوز به طرز و شیوه گفته های شعرای قدیم ساخته و پرداخته میشود باز مضمین و موضوعهای تازه ای در ادبیات و نشر فارسی پیدا شده است که در واقع آنرا میتوان جنبش و نهضت ادبی نامید. علل و اسبابی که باعث انقلاب ادبی و تحولات در نشر و نظم فارسی شده از اینقرار است :

۱ - زبانهای خارجی مخصوصاً زبان فرانسه از اواسط دوران قاجاریه در ایران رائج شد و بین این مملکت و ممالک اروپائی روابطی برقرار گردید و همین ایجاد روابط موجب رفت و آمد خارجیها باین سرزمین و مسافرت جمعی از ایرانیان به فرنگستان برای تحصیل و آموختن فنون مختلف شد و تصانیف ادبی کشورهای اروپائی و رمانهای مختلف بفارسی ترجمه گردید و نویسندگان نیز در معانی و الفاظ تاحدی سبک و روش فکر مغربزمین را اقتباس کردند .

۲ - دیگر از مواضع تازه ای که وارد ادبیات ایران شد افکار آزادیخواهانه و عقاید اجتماعی و سیاسی و احساسات وطن پرستی و آزادی بیان و مطبوعات است . شعرای با ذوق و نشر نویسندگان خوش قریحه این قبیل افکار را با بهترین وضعی به قالب الفاظ شیرین درآوردند . از جمله شعرایی که در این راه پیشقدم دیگران بوده است ادیب الممالک فراهانی را باید نام ببریم .

۳ - نظم و نشر فارسی تا اندازه ای درخور فهم عامه در آمد و نویسندگان و شعراء بیشتر به معانی پرداختند تا بالفاظ وزینتهای ظاهری .

۴ - تغییر طرز تعلیم و تعلم و تدریس از سبک قدیم به طرز جدید یعنی از بین رفتن

حائقات درس قدیم و ایجاد مدارس جدید و روزنامه‌ها و مجلات نیز یکی از وسائل و علل مهم تحول ادبیات ایران بشمار می‌آید .

چون تحقیق و تتبع کامل درسیک و اسلوب و طرز تحول ادبیات فارسی از حوصله این کتاب خارج است مادر اینجافقط راجع به ترجمه کتب خارجی و روزنامه‌ها و مجلات و اهمیتی که در تحول ادبی از مشروطه به بعد داشته‌اند می‌پردازیم .

چنانکه گفتیم تأسیس مدارس از آنجمله دارالفنون و استخدام معلمین اروپائی و ایجاد مدارس سیاسی و نظامی در تهران از دوران مشروطیت باینطرف باعث شد که مردم تا اندازه‌ای به تمدن اروپائی آشنائی پیدا کنند و در ادبیات نیز سبکی جدید اتخاذ نمایند که نفوذ ادبیات اروپائی در آن دیده شود . این موضوع بیشتر بر اثر ترجمه کتب خارجی بخصوص کتابهای فرانسه صورت عمل خود گرفته است مثلاً ترجمه تاترهای مولیر و افسانه‌های ژولورن اسباب مزید توجه مردم به السنه خارجی شد و ظهور انقلاب مشروطیت و توسعه فوق العاده جریده نگاری که در واقع نتیجه انقلاب مزبور بود و سهولتی که در طبع و نشر کتب حاصل شد موجبات نهضت ادبی و تحول آنرا فراهم آورد . در این باب آنچه باید ذکر شود تحت سه عنوان قرار می‌گیرد نمایش - رمان و مطبوعات .

۱- نمایش - ترجمه کتب مولیر بفارسی باب نمایش نگاری را در ایران مفتوح ساخت اولین اثر مولیر که بفارسی ترجمه شد نمایش خرید بیج (۱) است که نسخه آن کمیاب است . دیگر نمایش طیب اجباری است که در سال ۱۲۸۶ قمری در املاک بول چاپ رسید و عنوان آن گزارش مردم گریز است . مترجم اخلاق و حالات اشخاص نمایشنامه اخیر را تغییر و آنها صورت ایرانی داده است و مکالمات آن منظوم و باصل کتاب بسیار نزدیک است و گاه گاهی اصطلاحات و امثالی در آن دیده میشود که نظائر امثال و اصطلاحات فرانسوی است از آن جمله اشعار ذیل که ترجمه سرود قدیمی در پرده مجلس دوم کتاب مولیر است در نمایشنامه گزارش مردم گریز دیده میشود :

گریبک موی ترک شیرازی بدهد پادشه بمن شیراز

گویم ای پادشاه گرچه بود شهر شیراز شهر بی انباز
 ترك شیراز کافی است مرا شهر شیراز خویش بستان باز (۱)

در سال ۱۲۹۱ هجری قمری هفت تا اثر فارسی در يك مجلد با يك مقدمه در خصوص فوائد نمایش قلم میرزا جعفر قراچه داغی انتشار یافت این نمایشنامه را میرزا فتحعلی دربندی ابتداء بترکی آذربایجانی نوشت و در تفلیس چاپ کرد و بعداً بفارسی ترجمه نمود و معروفتر بن نمایشهای هفت گانه مزبور نمایشنامه وزیر لنگوران و نمایشنامه ملا ابراهیم خلیل کیمیاگر و مرد خسیس و یوسف شاه سراج است .

پرنس ملکه خان سه اثر از خود در نمایش باقی گذاشته است که گویا موقعیکه در لندن سفیر بوده آنها را نگذاشته . قسمتی از نمایشنامه های مزبور در سال ۱۳۲۶ قمری در پاورقی روزنامه اتحاد تبریز طبع شده است . نسخه اصلی و کامل آن در کتابخانه دکتر رزن مستشرق آلمانی وجود داشت که در سال ۱۳۴۰ عین آن در چاپخانه کویانی برلن چاپ . سید سه نمایشنامه مزبور بقرار ذیل است : اول سرگذشت اشرف خان حاکم عربستان در هنگام توقف او در تهران - دوم طریقه حکومت زمان خان بروجردی و سوم حکایت کرالارفتن شاه قلی میرزا و سرگذشت ایام توقف چند روز او در کرمانشاهان نزد شاه مراد میرزا حاکم آنجا ، در سال ۱۳۲۶ قمری در تهران روزنامه ای موسوم به تاتر ایجاد شد که ماهی دو بار انتشار می یافت . مندرجاتش بازنمایی مشتمل بر قح و ذم اصول استبداد بود در روزنامه مزبور تاتر دیگری با اسم شیخ عالی میرزا حاکم لایر و توبرکان و عروسی او با دختر پادشاه اجنه نیز دیده میشد و بعضی از مندرجات روزنامه

۱- عین اشعار مولیر را در اینجا نقل میکنیم :

Si le roi m'avait donné
 Paris, sa garde ville,
 Et qu'il me fallût quitter
 L'amour de ma mie,
 Je dirai au roi Henri
 Reprenez votre Paris
 J'aime mieux ma mie
 J'aime mieux ma mie

تأثر در هجو اصول اجتماعی ایران بود .

نمایشنامه‌ها و کتابهای تأثر سابق الذکر فقط برای بیان نکات سیاسی نوشته میشد و هیچیک از آنها را در صحنه نمایش بازی نکرده‌اند .

میگویند ناصرالدین شاه در سفرهای فرنگستان خود ترتیب تأثر آن دیار را پسندید و مزین الدوله معام دارالفنون را که از شاگردان اعزامی به اروپا بود ، آموخت . کرد در طالار دارالفنون نمایشهایی بدهد این شخص اولین کسی است که تأثر را از صورت تعزیه و تقلید خارج کرد و بمعنی حقیقی در آورد و بعضی از آثاره و لیرا و موزیک نمایش گذاشت . میرزا علی اکبر خان مزین الدوله در واقع پیشقدم این فن در ایران است . در آغاز مشروطیت آزادخواهان که به تأثیر اجتماعی تأثر یقین داشتند و در آشنا کردن مردم با عیوب تمدن قدیم و محاسن تمدن جدید آنرا لازم می‌شمردند و میدانستند که افسانه و بازی در اذهان ساده مردم بمراتب بیش از درس و وعظ مؤثر است در صدد توسعه این فن برآمدند . نخستین مؤسسه‌ای که تشکیل شد شرکتی بود بنام فرهنگ که عوائد آنرا بمصرف امور معارفی میرسانیدند . از جمله اقدامات مهم این مؤسسه ایجاد بنای بزرگی موسوم بشرکت فرهنگ در ناحیه سبزی کار است که مدتی مکلان مدرسه دارالمعلمین مرکزی بود این شرکت پس از چندی منحل شد و بعضی از اعضاء آن شرکت دیگری بنام تأثر ملی ایجاد کردند که ریاست آن با مرحوم عبدالکریم خان محقق الدوله و اکثر بازیهای آنها تاریخی بود مانند نمایشنامه کوروش کبیر و جمشید تصنیف خود محقق الدوله چون اعضاء این جمعیت طالب نفع مادی نبودند و جزو مردم روشن فکر در میآمدند تأثرهای آنها قبول عامه یافت پس از فوت محقق الدوله در سال ۱۳۳۵ قمری دوسه نفر از اعضاء هیئت مزبور بموجب امتیازنامه وزارت معارف شرکتی بنام کمدهی ایران دایر کردند . ریاست این شرکت با آقای علی نصر بود . شرکت مزبور را میتوان مؤسس حقیقی تأثر ایران شناخت در سالهای اخیر چند جمعیت تأثری از قبیل جامعه باربد و شرکت کمدهی اخوان و جامعه نکبسا در تهران دایر شد و امروزه تأثرهای دیگری مانند تأثر فردوسی و تهران و فرهنگ نیز احداث شده است .

بعضی از بیس های معروف و نام نویسنده آنها بقرار ذیل است: لیلی و مجنون (سید جلال الدین شادمان). لیلی و مجنون (محمد جواد تربتی). کمندی لیلی و مجنون (معزالدیوان فکری). داستان رستم و سهراب (فکری) غیاث خشت مال (ابراهیم ناهید) اپرای ما در وطن و عاقبت هرمزان (ارباب افلاطون شاهرخ). زردشت و پریچهر و پریزاد و خسرو و شیرین (مرحوم شهرزاد) مریض خیالی (مولیر) خدعه و عشق (مرحوم یوسف اعتصامی) آخرین یادگار نادر (سعید نفیسی) رستاخیز (میرزاده عشقی). رستم و سهراب (کاظم زاده) حاجی ریاحی و استاد نوروز پینه دوز (مرحوم کمال الوزاره). جیجک علیشاه و شاه ایران و بانوی ارمن (ذبیح الله بهروز) و غیره.

۲-رمان - در ایران معمولاً حکایاتی بسبک الف لیله و حسین کردزیاد وجود دارد اما در خصوص نوشتن رمانهای حقیقی کمتر توجهی از ایرانیان ابراز شده با اینحال رمانهایی بسبک جدید بقلم خود ایرانیان انتشار یافته است که قدیمترین آنها رمان عشق و سلطنت و شمس و طغری و انتقام خواهان مزدک است. کتب مزبور تا اندازه ای با رمانهای اروپائی برابری میکند. رمان عشق و سلطنت با کورس تألیف شیخ موسی نثری در سال ۱۳۳۷ در همدان بچاپ رسید این رمان تاریخی است و اسامی اعلام آن بشکل فرانسه قید شده نه باصل فارسی قدیم مانند میترا دات بجای مهرداد و این خود عیب بزرگ کتاب مزبور است.

دام گستران یا انتقام خواهان مزدک با اسم صنعتی زاده کرمانی در سال ۱۳۳۹ در بمبئی بچاپ رسیده است در این کتاب اغلاط تاریخی و عتیقه شناسی بسیار دیده میشود مثلاً در صفحه ده آن که نقش بهرام گور را چاپ کرده مینویسد در تحت آن تصویر خط میخی نوشته شده بود.

در این اواخر نوشتن سرگذشت و ترجمه کتب از السنه اروپائی بیش از سابق متداول گشته است که غیر از بعضی از آنها که بتوسط مترجمین زبردست بزبان فارسی در آمده بقیه بوسیله کسانی ترجمه شده که آشنائی کامل بزبان فارسی نداشته اند واصل حکایت را از صورت اولیه خارج کرده اند و ظاهری بس نازیبا به آنها داده اند اما از کتب خارجی که قبل از تاریخ هرج و مرج در کار ترجمه بزبان

فارسی در آمده يك سلسله از تالیفات آلکساندر دوما نویسنده فرانسوی مانند کنت دومونت کربستو و سه تفنگدار است که توسط شاهزاده محمد طاهر میرزا بزبان فارسی در آمده .

۳ - مطبوعات - مطبوعات شامل سه قسمت روزنامه و سالنامه و مجله میشود که ذیلا بشرح هر يك از آنها میپردازیم .

الف روزنامه - راجع بچاپ و انتشار روزنامه در ایران سابقا اشاره ای شد در اینجا فقط بذکر جرائدی که بتقاید اروپائیان با مقالات علمی و ادبی و سیاسی و انتقادات دقیق انتشار یافته میپردازیم . معروفترین این روزنامه جریده اخگر منطبعة اسلامبول است که شرح آنرا سابقا دادیم روزنامه مزبور قریب بیست سال منتشر میشد غیر از روزنامه اخگر چهار روزنامه دیگر در خارج ایران منتشر میشد روزنامه قانون برنس ملکم خان ناظم الدوله که در سال ۱۳۱۱ قمری در لندن طبع گردید. اما نظر بحملات سختی که بوضع حکومت شاه و وزراء میکرد انتشار آن در ایران ممنوع شد . روزنامه حبل المتین که در سال ۱۳۱۴ در کلکته و روزنامه ثریا که در سال ۱۳۱۹ در قاهره ایجاد شد و از سال ۱۳۲۱ به بعد روزنامه پرورش بجای ثریا انتشار یافت پنج روزنامه مزبور جزو روزنامه های مهمی بود که در خارج ایران چاپ میرسید و تا هنگام مشروطیت جراید مستقلی در داخله کشور منتشر نشده بعد از انقلاب مشروطه در ایران روزنامه هایی چند انتشار یافت که از لحاظ ادبی مهمترین آنها صور اسرافیل و نسیم شمال و مساوات و نوبهار بود روزنامه صور اسرافیل بوسیله میرزا جهانگیرخان شیرازی و نوبهار بتوسط ملک الشعراء و نسیم شمال به مدیریت سید اشرف الدین گیلانی انتشار می یافت و ناشر روزنامه مساوات سید محمد رضا معروف به مساوات بود . در روزنامه صور اسرافیل ستون مخصوصی بنام چرند و پرند بقلم میرزا علی اکبرخان دهخدا با امضای جملی دخو منتشر میشد این قسمت از حیث نثر فارسی و ابتکاری که در طرز تلفیق عبارت بکار برده اهمیت خاصی دارد .

عده روزنامه های ایران از تاریخ مشروطیت تا این اواخر زیاد است و بین این روزنامه هابعضی مانند رعد و ایران و شفق سرخ و ناهید و اطلاعات از مطبوعات

بادوام بشمار میروند و بعضی در سال اول یا نخستین ماه انتشار دچار تعطیل شدند و جز اسمی از آنها باقی نمانده است اسمی جراید بقرار ذیل است: ایران . ایران آزاد . ایران باستان . ایران نو . ایران جوان . تجدد ایران . ستاره ایران آینده ایران . وطن . آزادگان . مرد آزاد . رعد . برق . صاعقه . طوفان . اخگر اصفهان . ناهید . خورشید . شفق سرخ نیسیم . شمال گل زرد . عصر جدید . عصر انقلاب . رهنما . استخر کوشش . توفیق و اقدام و غیره .

ب - سالنامه - نوشتن سالنامه در زمان اعتضاد السلطنه معمول شد که هر سال در دنبال یکی از کتب خود فهرستی از مطالب و مشاغل زمان را مینگاشت در این اواخر نوشتن سالنامه بصورت بهتری در آمد و علاوه بر تقویم مطالب سود مندی بآن الحاق گردید و بعضی از جراید و مؤسسات و مدارس سالنامه ای که حاوی مطالبی راجع بهمان مؤسسات بود منتشر کردند مانند سالنامه روز نامه ایران و سالنامه دانشسرای عالی .

دیگر از سالنامه ها سالنامه بارس است که بتوسط امیر جاهد در سال ۱۳۰۵ شمسی تاسیس شد و مشتمل بر تقویم و حوادث بکساله و مطالب دیگر است جزو سالنامه ها باید گاه ناده آفاسید جلال الدین تهرانی را بشمار آورد .

ج - مجلات - مجلات معروف بقرار ذیل است :

۱ - مجله کاه که بدو دوره تقسیم میشود دوره قدیم کاه (۱۹۱۶-۱۹۱۹) و دوره جدید آن (۱۹۲۰-۱۹۲۱) در این مجله بطور کلی ابتداء از سیاست و بعد ها از علوم و ادبیات بحث میشد و مرحوم میرزا محمد خان قزوینی و آقای تقی زاده مقالات سود مندی در آن مینوشتند . مجله مزبور هر پانزده روز یکبار در برلین منتشر میشد .

۲ - مجله ایرانشهر - مجله ایرانشهر که از سال ۱۹۲۲ بمدیت حسین کاظم زاده انتشار می یافت و در آن فصولی در خصوص ترجیح تعلیمات آلمانی بفرانسوی برای محصلین درج میشد .

۳ - مجله بهار که بقلم مرحوم یوسف اعتصامی دو دوره آن نشر شده

۴ - مجله دانشکده که آقای ملک الشعراء بهار در سال ۱۳۲۶ قمری آنرا برای نشر آثار انجمن ادبی تأسیس کرد .

۵ - مجله ارمغان که در بهمن ۱۲۹۸ شمسی بسعی مرحوم وحید دستگردی دایر شد .

در این مجله شرح حال جمعی از شعرای جدید و قدیم و نمونه گفتار معاصرین مندرج است .

۶ - مجله نو بهار که در مهر ماه ۱۳۰۱ شمسی بمدریت آقای ملک الشعراء بهار انتشار یافت و شامل مطالب ادبی و سیاسی است .

۷ - مجله تعلیم و تربیت در تحت نظر آقای علی اصغر حکمت در فروردین سال ۱۳۰۴ شمسی از طرف وزارت معارف تأسیس شد . مجله آموزش و پرورش امروزی دنباله همان مجله تعلیم و تربیت است .

۸ - مجله آینده به مدیریت دکتر محمود افشار است که در تیر ماه ۱۳۰۴ شمسی شروع و تا اسفند سال ۱۳۰۶ منتشر شد و در سال ۱۳۲۰ شمسی چند شماره دیگری نیز از آن انتشار یافت :

۹ - مجله ایران جوان که در سال ۱۳۳۸ قمری بوسیله کانون ایران جوان تأسیس شد .

۱۰ - مجله شرق بمدریت آقای محمد ره ضائی .

۱۱ - مجله مهر که بتوسط آقای مجید موقر تأسیس شد .

۱۲ - مجلات دیگر بقرار ذیل است . رستاخیز (عبداله رازی) وفا (نظام وفا) .

دبستان (سید حسن طبسی) • تقدم (احمد و عبدالرحمن فرامرزی) • کنجینه

همارغ (محمد عالی تربیت تبریز) • علم و هنر (ونوق و جمال زاده برلین) • عرفان

(احمد عرفان اصفهان) بازار گاد (حسام زاده بازار گاد شیراز) • ایران (سیف آزاد

برلین) • دنیای ایران (نوبخت) . سپیده دم (صورتگر) . پیمان (احمد کسروی) •

پایان

منابع کتاب : مجله کاوه . تاریخ ایران از حمله مغول تا عصر حاضر (تالیف نگارنده) تاریخ ادبیات ایران (تالیف آقای دکتر رضا زاده شفق) . کتاب فهرست تاریخ ایران (تالیف نگارنده) تاریخ روابط ایران با اروپا در عهد صفویه (ترجمه نگارنده) تاریخ ایران در قرق دوازدهم و سیزدهم هجری (تالیف آقای علی اصغر شمیم) . سال اول و دوم مجله بادگار . تاریخ دیپلماسی ایران (تالیف آقای دکتر خانبا بایمانی) . جغرافیای اقتصادی ایران (تالیف آقای کیهان) . جغرافیای اقتصادی ایران (تالیف نگارنده) گنج شایگان (تالیف آقای جمال زاده) . تاریخ ادبیات ایران (تالیف ادوارد بران) . تاریخ ادبیات معاصر (تالیف آقای رشید یاسمی) . تاریخ مفصل ایران (تالیف استاد آقای عباس اقبال) . امیر کمبیر و ایران (تالیف آقای فریدون آدمیت) .

1